

### شادباش به هم میهنان

#### مسیحی

حزب توده ایران، فرارسیدن سال ۲۰۰۱ و آغاز هزاره سوم میلادی را به هم میهنان مسیحی تبریک می گوید و امیدوارست که سال ۲۰۰۱ سالی سرشار از موفقیت و پیروزی در ادامه و گسترش روند اصلاحات در میهن ما و سال دست آوردهای مهم در پیکار توده های زحمتکش میهن مان بر ضد ارتجاع و استبداد حاکم باشد.

### اطلاعیه

در هفته های گذشته هیئت های نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنگره ها و نشست های پر اهمیت بین المللی، در پرتغال، قبرس، یونان و اتریش شرکت کردند و نیروهای مترقی جهان را در جریان آخرین تحولات و عمده ترین مسایل میهن مان قرار دادند. گزارش مفصل این نشست های پر اهمیت بین المللی و فعالیت هیئت های نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران، بتدریج در شماره های آینده «نامه مردم» به اطلاع خوانندگان عزیز خواهد رسید.

**مبارزه برای احیای سوسیالیسم در روسیه**  
**کنگره هفتم حزب کمونیست فدراسیون روسیه**  
**هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنگره هفتم**  
**در صفحات ۶ و ۷**

# نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۹۹، دوره هشتم  
سال هفدهم، ۱۳ دی ماه ۱۳۷۹

سال ۲۰۰۱ - در تدارک مبارزه برای جایگزینی مترقی در ص ۱۲

### «ولایت فقیه» و تبدیل آن به بحث روز

«عصاره دعوای فعلی ما، دعوای بین حکومت انتصابی و حکومت انتخابی است. دعوا بین حکومتی انتصابی و انتخابی از اول انقلاب وجود داشت، ولی به دلیل این که هر دو دیدگاه در مصداق واحد به نتیجه می رسیدند، این مسأله در گذشته رو نمی شد. در حکومت انتصابی، حاکم در مقابل مردم پاسخگو نیست چرا که مشروعیت خود را از آنها نمی گیرد و در حکومت انتخابی این وضعیت کاملاً معکوس است. راه حل این مشکل یک رفراندوم است. طرفداران حکومت انتخابی می گویند مردم اصلاحات را می خواهند و طرفداران حکومت انتصابی هم فرض می کنند که مردم مسلمان اند و همان گونه که پیامبر را قبول می کنند و به تبعات این پذیرش ملتزم می شوند، حکومت ولایت فقیه را نیز پذیرفته اند. تا وقتی این مشکل برطرف نگردد آمدن آقای خاتمی مشکلی را حل نمی کند.»

این قسمتی از سخنان عباس عبدی بود که

ادامه در صفحه ۲

**به سرکوب و دستگیری آزادی خواهان و دگراندیشان در ایران خاتمه دهید!**  
**بیانیه اعلام همبستگی رهبران نزدیک به صد حزب کارگری و کمونیستی جهان با مبارزان و دگراندیشان دربند**

در صفحه ۳

### خاطرات آیت الله منتظری، سند محکم و معتبری در افشای سیمای تزویر، دروغ و ماهیت مافیایی رژیم «ولایت فقیه»

جنگ خانمانسوز ایران و عراق است. این روابط، در گرد و غبار شعارهای «ضد امپریالیستی» و «ضد استکباری» سران رژیم به صورتی کاملاً پنهانی سازمان یافت و جریان پیدا کرد، به طوری که حتی منتظری، به عنوان نایب «ولی فقیه» از آنها بی اطلاع بوده است. به گفته آیت الله منتظری، افشای این روابط توسط سید مهدی هاشمی، یکی از زمینه های پرونده سازی برای هاشمی و سپس اعدام او و بورش به منتظری به عنوان نایب «ولی فقیه» بوده است. در خاطرات آیت الله منتظری می خوانیم: «افشای قضیه مک فارلین در مجله الشراع لبنان که به وسیله سید مهدی انجام شد در تشدید این قضایا [پرونده سازی و سپس اعدام سید مهدی] نقش داشت. آقایان برای خرید اسلحه روابط مخفیانه ای با آمریکایی ها برقرار کرده بودند و مک فارلین مشاور رئیس جمهور آمریکا و همراهان او به طور مخفیانه به ایران آمده بودند و مذاکراتی صورت گرفته بود که با نامه های آقای منوچهر قربانی فر (پیوست های شماره ۱۳۰ و ۱۳۱) این مسایل برای ما کشف شد. آقای قربانی فر فتوکپی نامه های خود به آقای کنگر لو [رابط سپاه پاسداران در جریان خرید اسلحه از آمریکایی ها] را به وسیله آقای امید [نجف آبادی که بعداً توسط رژیم اعدام شد] برای من فرستاده بود و طبعاً جریان مک فارلین در بیت ما مطرح شد و موجب تعجب هم شد، تا اینکه یک روز آقای هاشمی

ادامه در صفحات ۴ و ۵

با انتشار خاطرات آیت الله منتظری، روی صفحات شبکه جهانی اینترنت، و بازتاب وسیع آن در داخل و خارج از کشور، برای نخستین بار در تاریخ بیست و دو ساله پس از پیروزی انقلاب بهمن، مردم از زبان یکی از بنیانگذاران جمهوری اسلامی با گوشه هایی از حقایق تکان دهنده پشت پرده چگونگی اداره کشور و ماهیت عمیقاً ضد مردمی و ضد دموکراتیک حاکمیت رژیم «ولایت فقیه» روبه رو می شوند. انتشار خاطرات بی پرده و صریح آیت الله منتظری، در اوضاعی که رهبران ارتجاع دگراندیشان را به بند کشیده اند و «ولی فقیه» منتقدان داخلی را به سرکوب تهدید می کند، بی شک گامی ارزشمند و جسورانه است در راستای افشای چهره مرتجعان حاکم و کمک به جنبش اصلاح طلبی میهن ما. پرداختن به خاطرات طولانی آیت الله منتظری، که از دوران طلبگی تا انتهای دوران نیابت رهبری، و سپس دوران، حصر و زندانی بودن در خانه اش را دربر دارد، خارج از حوصله این مقاله است. آنچه در زیر آمده است نگاهی گذرا به بخش های مهمی از این خاطرات در ارتباط با حوادث مهم و سرنوشت ساز میهن ماست.

#### ارتباطات پنهانی با «شیطان بزرگ» و شعار های دروغین ضد آمریکایی

از جمله موضوعات جالب مطرح شده در خاطرات آیت الله منتظری، روابط پنهانی سران رژیم، از جمله رفسنجانی، سید احمد خمینی و دیگران با مک فارلین، مشاور ریگان، و دریافت اسلحه اسرائیلی برای ادامه

**با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری**

**برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!**

## ادامه بحث بر سر ولایت فقیه و تبدیل ...

در یک نشست دانشجویی ایراد گردید و «ایسنا» روز جمعه، ۲ دی ماه آن را مخابره کرد. سخنرانی عبدی، به دلیل شفافیتش در باره مقوله «ولایت فقیه»، در هفته گذشته مورد بحث محافل سیاسی داخل و خارج از کشور در سطح وسیع بود. این بحث از آن رو با اهمیت است که «عصر ما»، ارگان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، در شماره ۱۹۲ خود به تاریخ ۲۶ آذرماه در مقاله یی با عنوان، «انسداد سیاسی یا راهبندان سیاسی»، با تجزیه و تحلیل شرایط فعلی ایران در قسمتی از مقاله ذکر شده، آورده است: «یکی از کوشش های جبهه دوم خرداد از آغاز تاکنون جلوگیری از استحاله ولایت فقیه از اصل و نهادی قانونی و دموکراتیک به اصل و نهادی فراقانونی بوده است.

در برابر تلاش های فکری و عملی ضد اصلاح طلبی برای خارج کردن اصل و نهاد رهبری از جایگاه قانونی، مشروط و مقید به مبانی مردم سالارانه و پاسخگویی به آن، اصلاح طلبان کوشیده و همچنان باید بکوشند که در عرصه تئوریک و پراتیک، به فرآیند دموکراتیزاسیون اصل و نهاد ولایت فقیه ادامه دهند و مانع تحقق استحاله طلبان استبداد گرا شوند، استحاله طلبانی که با مبانی جمهوریت و مردم سالارانه قانون اساسی و نظام مخالفند و در پی تبدیل جمهوری اسلامی به حکومت و خلافت اسلامی بوده و هستند.»

اینجا موضوع مورد بحث، تجزیه و تحلیل این دو دیدگاه کاملاً متفاوت نیست، بلکه مسئله و موضوع با اهمیت تر از آن، این است که هر دو دیدگاه یکی در قالب سخنرانی و دیگری در قالب مقاله به یک موضوع اشاره کرده اند و آن همان معضل ولایت فقیه است. در هر دو مورد بالا بدون اشاره به دیگر نهادهای حکومتی مانند مجلس، قوه مجریه، قوه قضاییه و جز اینها، به طور مستقیم و غیر مستقیم بن بست کنونی جنبش را در نهاد ضد مردمی ولایت فقیه می دانند. اگر دیروز حملات متوجه مجلس پنجم، قوه قضاییه، وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی، شورای نگهبان و دیگر ارگان های تحت اختیار ولایت فقیه بود، با تعمیق و گسترش جنبش و رسیدن آن به مرحله یی که درگیری مستقیم مردم با ولایت فقیه هر روز بیشتر عیان می گردد این نقطه مشترک را باید یک موفقیت مهم برای جنبش مردمی تلقی کرد.

اینجا بحث ما استفاده و کسب وجهه سیاسی از این موضوع به این دلیل که حزب توده ایران نخستین حزب سیاسی بود که ولایت فقیه را به عنوان سد اساسی هر گونه پیشرفتی دانست نیست، بلکه توجه دادن به این نکته مهم است که با استفاده از موقعیت حاصل شده، در جهت دامن زدن به این بحث از هیچ گونه کوششی کوتاهی نشود.

این وظیفه تمامی نیروهای واقعی طرفدار اصلاحات چه در داخل و چه در خارج کشور است که به این مهم توجه کافی را مبذول دارند. امروز حتی اگر بتوان گردانندگان روزنامه های ارتجاعی و طرفدار ذوب در ولایت مانند رسالت، کیهان و جمهوری اسلامی را واداشت که سرمقاله های عمده خود را به بحث ولایت فقیه اختصاص دهند (حتی در جهت دفاع از آن)، پیروزی بزرگی برای جنبش خواهد بود. همین که این بحث در سطح جامعه به مسئله روز تبدیل شود، آن چنان نیروی فکری و اجتماعی به وجود می آورد که نتیجه آن

## نگاهی به رویدادهای ایران

## در هفته ای که گذشت

چیزی جز هر چه سست تر شدن پایه های ولایت فقیه نمی تواند باشد.

## سردرگمی اصلاح طلبان و انتخابات ریاست جمهوری

در آخرین روزهای ماه رمضان، دفتر تحکیم وحدت، با برگزاری مراسم افطار و دعوت از فعالان سیاسی، همزمان یک سری سخنرانی هایی ترتیب داد که در آن نقطه نظرهای جالب و قابل توجهی که بیشتر در ارتباط با انتخابات ریاست جمهوری بود، از طرف سخنرانان مدعو ابراز گردید. به گزارش «ایسنا»، جمعه ۲ دی ماه، علیرضا علوی تبار گفت: «جناح مقابل اصلاحات، دو استراتژی اصلی را در برخورد با اصلاحات، در پیش گرفت، یکی سرکوب قهرآمیز و دیگری، استحاله آمرانه. آنها به دنبال این هستند که اصلاح طلبان، ظاهراً در قدرت باشند و مسئولیت داشته باشند، اما هیچ کاری از دست آنها بر نیاید و نتوانند هیچ کاری را به پیش ببرند.

به عبارتی دیگر قصد دارند فضایی را ایجاد کنند که به دست اصلاح طلبان یا با سکوت آنان، برنامه هایشان اجرا شود، این، خیلی بدتر از حذف اصلاح طلبان از قدرت است. پس باید کاری انجام داد که انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۰ به برنامه نفی استحاله آمرانه تبدیل شود. یعنی در انتخابات باید نشان داد که اصلاح طلبان می خواهند کاری انجام دهند اما اگر نتوانستند به این دلیل بوده است که نمی توانند.» رهامی، در این باره اظهار داشت: «بحث ما فراتر از این است که خاتمی بیاید یا نیاید، بحث ما این است که ما چه برنامه ای برای اصلاح مملکت داریم.»

وی در جایی دیگر گفت: «آن موقع که آقای خاتمی آمد، بنابراین بود که ایشان می تواند مشکلات را حل کند ولی حالاً معلوم شده که نمی توانسته. اگر لوازم مربوطه در اختیار خاتمی قرار داده نمی شود و امکانات حل معضلات جامعه (که دارد به فساد و تباهی کشیده می شود) برای او فراهم نیست، ایشان باید بگوید که به این دلایل شرایط کار برای من فراهم نیست.» عباس عبدی گفت: «این انتخابات شبیه مسابقات اتومبیل رانی است و خاتمی هم یکی از رانندگان است اما مهم تر از اینکه چه کسی راننده باشد، این است که آن ماشین بتواند راه برود.»

رضا علیجانی، سردبیر نشریه تعطیل شده ایران فردا، گفت: «کاندیدای آینده باید با توجه به تجربه چهارساله اخیر به برنامه ریزی بپردازد. اگر انتخابات ۷۶ بستری برای طرح شعارهای اصلاح طلبانه بود، انتخابات ۸۰ می تواند بستری برای مهندسی و اجرایی کردن مطالبات باشد. شعارهای انتخاباتی ۸۰ باید شعارهای استراتژیک باشد نه شعارهای آرمان گرایانه.» علیجانی در جایی دیگر گفت، همان طور که جناح مقابل خطوط سرخ را تعیین می کند، اصلاح طلبان هم

باید خطوط سرخ را تعیین کنند و بگویند که از کجا بیشتر عقب نشینی نخواهند کرد. محسن میردامادی، ضمن اشاره به جنبش دانشجویی و نقش آن در تحولات میهن مان، در باره انتخابات آینده ریاست جمهوری گفت تصور او این است که باید شرایط را از هر جهت به گونه ای فراهم کنیم که تردیدی در حضور آقای خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری آینده ایجاد نشود، تا این انتخابات، به فرآیندومی برای اصلاحات، تبدیل شود.

حداد عادل، از نمایندگان مجلس و طرفدار ولایت فقیه نیز گفت: «اصلاح طلبان بیشتر از شعار اصلاحات به توضیح و تعریف اصلاحات بپردازند و حد و مرز و نسبت آن با اصول و انقلاب و اندیشه های امام را بیان کنند.» آرمین اظهار داشت: «جبهه دوم خرداد به عنوان بخش سیاسی جنبش اصلاحی، هنوز نتوانسته از نیرو و استعداد بالقوه اجتماعی، قدرتی موثر و در صحنه بسازد تا به پشتوانه آن راه اصلاحات را محکم تر و مطمئن تر طی کند.»

آنچه از ماحصل صحبت های بالا می توان استنباط کرد آن است که، اکنون بعد از نزدیک به چهار سال که از حماسه دوم خرداد می گذرد، و در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، جبهه دوم خرداد و اصلاح طلبان درون حکومت برای پیشبرد این جنبش، به هر دلیلی، نه برنامه مشخصی دارند، نه تاکتیک از قبل تعیین شده و نه استراتژی دراز مدت. حتی امکان شرکت تنها کاندید مطرح آنها، یعنی محمد خاتمی در هاله یی از ابهام قرار دارد.

این موضوع از آن رو مهم است که، جناح مقابل برای مقابله با گسترش جنبش، دقیقاً با برنامه ریزی و سازمان دهی از قبل تعیین شده، یکی پس از دیگری، در صدد است وضعیت را کاملاً تحت کنترل خود در آورد. با اینکه پیش بینی تحولات شتابان میهن مان آسان نیست، اما سوال اساسی این است که با توجه به چنین وضعیتی، چه تضمینی وجود دارد تا انتخابات ریاست جمهوری همان طور برگزار شود که مورد انتظار و قبول توده های میهن مان باشد؟

## به سرکوب و دستگیری آزادی خواهان و دگراندیشان در ایران خاتمه دهید! بیانیه اعلام همبستگی رهبران نزدیک به صد حزب کارگری و کمونیستی جهان با مبارزان و دگراندیشان دربند

نیروهای ترقی خواه و دموکراتیک جهان توقف سرکوب آزادی خواهان و آزادی فوری روزنامه نگاران زندانی را خواستار شدند. در اقدامی پراهمیت و کم سابقه، رهبران نزدیک به صد حزب و جنبش ترقی خواه، دموکراتیک، کمونیست و آزادی خواه با انتشار بیانیه مشترکی در همبستگی با مردم ایران، نگرانی خود را از موج اخیر سرکوب روزنامه ها و نشریات طرفدار آزادی، و دستگیری ده ها روزنامه نگار نویسنده دگر اندیش در کشور، اعلام کردند. امضاء بیانیه توسط احزاب قدرتمند و با نفوذ کشورهای چین، آفریقای جنوبی، هند، روسیه، یونان، ایتالیا، فرانسه، آلمان، فنلاند، ارمنستان، آنگولا، اوکراین، ژاپن، مراکش و اسپانیا - با توجه به نقش مؤثر آنها در سیاست گذاری ملی و بین المللی - ابعاد وسیع همبستگی جهانی با جنبش آزادیخواهی در کشورمان را به نمایش می گذارد. متن این بیانیه به شرح زیر است:

«ما، احزاب امضاءکننده بیانیه زیر، که همواره از مبارزات مردم و نیروهای ترقی خواه، آزادی خواه و اصلاح طلب ایران در راه دست یابی به حقوق و آزادیهای دموکراتیک و مدنی دفاع کرده ایم، اعلام می داریم:

۱. ما در ماه های اخیر با نگرانی زیاد اخبار یورش وسیع نیروهای محافظه کار و ارتجاعی را به روزنامه های مدافع اصلاحات و دستگیری ده ها نویسنده و روزنامه نگار دگر اندیش را دنبال کرده ایم. ما همچنین، در هفته های اخیر، شاهد برگزاری داده گاهای تفتیش عقاید بر ضد شماری از شخصیت های اجتماعی و سیاسی ایران که در راه اصلاحات تلاش می کنند، بوده ایم. با توجه به این مسایل ما خواهان:
۱. آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه زندانیا سیاسی ایران هستیم؛
۲. ما ضمن محکوم کردن شکنجه و آزار روزنامه نگاران و نویسندگان زندانی، رسیدگی فوری نهاد های بین المللی به تشدید فشار و جو اختناق در ایران طی ماه های اخیر خواستاریم؛
۳. ما ضمن محکوم کردن دادگاه های تفتیش عقاید، تشکیل شده در ماه های اخیر، بر ضد شخصیت های دگر اندیش در بند، همبستگی خود را با آنان اعلام کرده و خواهان آزادی بی قید و شرط آنان هستیم؛
۴. ما حمایت رزمجویانه خود را از نیروهای ترقی خواه و دموکراتیک ایران که در شرایط دشوار و بغرنج کشور در راه آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی مبارزه می کنند، اعلام می کنیم. »

### اسامی احزاب امضاء کننده بیانیه

۱. حزب کمونیست آلبانی
۲. حزب کمونیست آرژانتین
۳. حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان (PDS)
۴. حزب کمونیست آلمان (DKP)
۵. حزب کمونیست آمریکا
۶. حزب کمونیست آفریقای جنوبی
۷. حزب کمونیست آذربایجان
۸. میپلای آنگولا
۹. حزب کمونیست ارمنستان
۱۰. حزب کمونیست اتریش
۱۱. حزب کمونیست اردن
۱۲. حزب کمونیستهای ایتالیا
۱۳. حزب کمونیست احیاء ایتالیا
۱۴. حزب کمونیست اسرائیل
۱۵. حزب کمونیست اوکراین
۱۶. حزب کمونیست استونی
۱۷. حزب کمونیست ازبکستان
۱۸. حزب توده ایران
۱۹. حزب کمونیست اسلواکی
۲۰. حزب کمونیست اسپانیا
۲۱. حزب کمونیست خلقهای اسپانیا
۲۲. اتحادیه چپ اسپانیا
۲۳. حزب دمکراتیک خلقی اندونزی
۲۴. حزب کمونیست بلژیک
۲۵. حزب کارگران برزیل
۲۶. حزب کمونیست برزیل
۲۷. حزب کمونیست بریتانیا
۲۸. حزب کمونیست جدید بریتانیا
۲۹. اتحادیه کمونیستهای هندی، بریتانیا
۳۰. حزب کمونیست بلغارستان
۳۱. حزب کمونیست بلغارستان (گورگی دیمتریوف)
۳۲. حزب سوسیالیست بلغارستان
۳۳. حزب سوسیالیست بلغارستان (پلاتفرم مارکسیستی)
۳۴. حزب کمونیست بلوروس
۳۵. حزب کمونیست بنگلادش
۳۶. اتحادیه کارگران حمل و نقل بنگلادش
۳۷. حزب کمونیست پرتغال
۳۸. حزب کمونیست تاجیکستان
۳۹. حزب کمونیست ترکمنستان
۴۰. حزب کمونیست ترکیه (SIP)
۴۱. حزب آزادی و همبستگی ترکیه (ODP)
۴۲. حزب کارگر ترکیه (EMEP)
۴۳. حزب کمونیست بوهوم و موراوی (جمهوری چک)
۴۴. حزب کمونیست چین
۴۵. ائتلاف چپ، سبز دانمارک
۴۶. حزب کمونیست دانمارک
۴۷. حزب کمونیست در دانمارک
۴۸. حزب کمونیست فدراسیون روسیه
۴۹. حزب کمونیست کارگری روسیه
۵۰. حزب کمونیست رومانی
۵۱. حزب کمونیست ژاپن
۵۲. حزب کمونیست سودان
۵۳. حزب کمونیست سوریه
۵۴. حزب کمونیست در سوریه
۵۵. حزب کمونیست سوئد
۵۶. حزب چپ سوئد
۵۷. حزب کمونیست سری لانکا
۵۸. حزب کمونیست احیاء سان مارینو
۵۹. حزب کمونیست شیلی
۶۰. اتحادیه احزاب کمونیست (شوروی)
۶۱. جنبش پولیساریو (صحرائی غربی)
۶۲. حزب کمونیست عراق
۶۳. حزب کمونیست کردستان، عراق
۶۴. جبهه خلقی برای آزادی فلسطین
۶۵. جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین
۶۶. حزب مردم فلسطین
۶۷. حزب کمونیست فنلاند
۶۸. حزب کمونیست فرانسه
۶۹. آ.ا.ک.ل. حزب زحمتکشان قبرس
۷۰. حزب کمونیست قزاقستان
۷۱. حزب کمونیست کلمبیا
۷۲. حزب کمونیست کانادا
۷۳. اتحادیه خلق کامرون
۷۴. حزب کمونیست گوادلوپ
۷۵. حزب کمونیست لوکزامبورگ
۷۶. حزب سوسیالیست لتونی
۷۷. حزب کمونیست لبنان
۷۸. حزب سوسیالیست خلقی مکزیک
۷۹. حزب ترقی و سوسیالیسم مراکش
۸۰. حزب اقدام دموکراتیک و خلقی مراکش
۸۱. حزب کمونیست مصر
۸۲. حزب کارگران مجارستان
۸۳. حزب کمونیست نروژ
۸۴. حزب سوسیالیست چپ نروژ
۸۵. حزب کمونیست نپال (متحد مارکسیست لنینیست)
۸۶. حزب کمونیست نپال (متحد)
۸۷. حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)
۸۸. حزب کمونیست هندوستان
۸۹. حزب کمونیست نوین هلند
۹۰. حزب سوسیالیست یمن
۹۱. حزب سوسیالیست یوگسلاوی
۹۲. حزب کمونیست جدید یوگسلاوی
۹۳. جنبش دموکراتیک اجتماعی یونان
۹۴. حزب کمونیست یونان

**آزادی برای همه  
زندانیان  
سیاسی ایران!**

## ادامه خاطرات آیت الله منتظری ...

شکست خوردند...»

رفسنجانی به قم آمد، به او گفتم چرا جریان مک فارلین را به من نگفتید؟ آیا من نامحرم بودم؟! یکدفعه ناراحت شد و گفت شما از کجا مطلع شدید؟ گفتم جن ها خبر دادند! گفت بنا داشتیم بعداً به شما بگوییم! بعداً حاج احمد آقا خمینی هم از من پرسید شما جریان مک فارلین را از کجا مطلع شدید؟ به او هم گفتم از راه جن ها! البته من قربانی فر را اصلاً ندیده ام و نامه های قربانی فر را ظاهراً سید مهدی توسط یکی از دوستانش به الشراع رسانده بود و آقایان هم با علم کردن این مسایل [دستگیری، محاکمه و اعدام سید مهدی هاشمی] می خواستند به طرف های آمریکایی خود بفهمانند که ما با طرفداران صدور انقلاب - به قول آمریکایی ها تروریسم - و با مخالفان این مذاکرات و افشا کنندگان آن برخورد کرده ایم، در همان زمان بسیاری از تلکس هایی که روی تلکس منزل ما می آمد از این امور حکایت می کرد...»

## پرونده سازی، شیوه رایج از بین برده مخالفان از هر طیفی

در سراسر خاطرات آیت الله منتظری، روشن می گردد که دستگاه های جهنمی سرکوب و ترور رژیم، از جمله وزارت اطلاعات، که زیر دست سران رژیم بوده است، از همان نخستین روزهای کارشان با هدف سرکوب و پرونده سازی برای نابودی مخالفان، از هر دسته و گروه فکری، سازماندهی شده بودند. یکی از مسایل جالب در این خاطرات پرونده سازی برای «مراجع تقلید» مخالف خمینی [عمدتاً در طیف راست]، از جمله قمی و شریعتمداری است. شیوه یی که بعد ها دامن منتقدان مذهبی طیف «جپ» را نیز گرفت. در خاطرات می خوانیم: «اصلاً مسأله حصر علما و مراجع از بدعتهای جمهوری اسلامی است و قدرت روحانیت و مرجعیت را شکست...»

و در جای دیگر اضافه می کند: «وقتی که آقای قطب زاده را بازداشت کردند ما شنیدیم که ایشان سوء قصدی رایج به مرحوم امام داشتند و در چاهی نزدیک محل سکونت ایشان موادی کار گذاشته اند که کشف شده و آقای شریعتمداری هم از این موضوع اطلاع داشته اند. روزی حاج احمد آقا در قم به منزل ما آمد و در حالی که آقای حاج سید هادی نیز حضور داشت و به نحو تهدید آمیز گفت: «امشب قطب زاده در تلویزیون مطالبی را رایج به آقای شریعتمداری می گوید، شما مواظب باشید و حرفی نزنید و چیزی نگویید!». بعد شب مصاحبه آقای قطب زاده از تلویزیون پخش شد و در این راستا بود که به سراغ آقای شریعتمداری رفتند... بعداً شنیدم آقای حاج احمد آقا در زندان سراغ آقای قطب زاده رفته و به او گفته است شما مصلحتاً این مطالب را بگویید و اقرار کنید و بعد امام شما را عفو می کنند، ولی بالاخره او را اعدام کردند، و باز بعدها از طریق موثقی شنیدم که جریان ریختن مواد منفجره در چاه نزدیک محل سکونت مرحوم امام بکلی جعلی است و واقعیت نداشته و منظور فقط پرونده سازی برای مرحوم آقای شریعتمداری بوده است...»

## فاجعه جنگ خانمانسوز، بی مدیریت سران رژیم به قیمت

## خون صد ها هزار جوان ایرانی

نکته تکان دهنده دیگر در خاطرات آیت الله منتظری، شیوه عملکرد سران رژیم در جریان جنگ هشت ساله با عراق و فاجعه یی است که مدیریت سران رژیم برای میهن ما پدید آورد و به نابودی صدها هزار جوان ایرانی منجر شد.

در این زمینه در خاطرات، ضمن اشاره به اینکه رفسنجانی همه امور را بدست گرفته بود، و از طریق تلفن جنگ را اداره می کرد، می خوانیم: «علی ای حال در آن وقت اشکال مهم این بود که صدام در هر حمله ای اطاق جنگ داشت و افسران عالی رتبه حضور فعال داشتند و خودش هم می آمد در جبهه، ولی در کشور ما مسایل با تلفن می خواست حل شود. آقای خامنه ای که رئیس جمهور بود چندان در مسایل جنگ دخالت نداشت. آقای میر حسین موسوی نخست وزیر هم عملاً صاحب رأی نبود و هر چه می گفتند باید انجام می داد، عملاً آقای هاشمی و احمد آقا هرچه تصمیم می گرفتند عملی می شد، حتی گاهی آقای موسوی، نخست وزیر از سوی خودش کاری می کرد و آنها به او تشر می رفتند. گاهی اوقات که ارتش و سپاه با هم درگیر بودند یا فرمانی می آمد که آمادگی اجرای آن را نداشتند یا به نظر آنها درست نبود افراد سپاه و ارتش به من متوسل می شدند، مثلاً یکی از فرماندهان سپاه در همان بحران شلمچه به من تلفن کرد که ما در فاو شکست خورده ایم، به ما می گویند در شلمچه عمل کنید، ما امکانات نداریم اینجا هم شکست می خوریم، شما به تهران بگویید، اتفاقاً در شلمچه هم عمل کردند و

## حقانیت سیاست حزب توده ایران در مورد ضرورت خاتمه جنگ پس از فتح خرمشهر

از نکات بسیار جالب دیگر در خاطرات آیت الله منتظری، این نکته است که، پس از فتح خرمشهر، بخش عمده ای از ارتش و حتی فرماندهان نظامی معتقد به خاتمه جنگ بودند. حزب توده ایران نخستین حزب سیاسی ایران بود که در همان اوقات، بررغم آنکه زیر حملات شدید تبلیغاتی سران رژیم بود، ضرورت پایان دادن به جنگ خانمان سوز را مطرح کرد، و از همین روزها ضربات شدید رژیم رفت، به طوریکه موسوی اردبیلی، رئیس وقت قوه قضائیه، به دلیل طرح مسأله پایان دادن به جنگ از سوی حزب، در نماز جمعه تهران مدعی شد که، حزب «به فرمان ارباب خود زهرش را ریخت». در خاطرات در این زمینه می خوانیم: «آن زمان که صدام کشور ایران را اشغال کرد ما نظرمثال مثل همه این بود که باید جنگید و آنها را از کشور بیرون کرد، ولی وقتی که خرمشهر را فتح کردیم و اینها را بیرون راندم احساس کردیم که نیروها بخصوص ارتش انگیزه داخل شدن در خاک عراق را ندارند، خودشان می گفتند: ما تا حالا جنگ کردیم که دشمن را از کشورمان بیرون کنیم ولی حالا اگر بخواهیم در خاک عراق برویم این کشور گشایی است و انگیزه نداشتند، روی همین اصل هم من همان وقت پیغام دادم که هرکاری می خواهید بکنید حالا وقتش است و حمله کردن به عراق درست نیست، آن روز حسابی برای غرامت به کشور ما پول می دادند و منت ما را هم می کشیدند و شرایط آماده بود، ولی آقایان فکر می کردند که الان می رویم عراق را می گیریم، صدام را نابود می کنیم. بالاخره من از همان وقت نظرم این بود که جنگ را به شکلی خاتمه دهیم، ولی خوب رهبری با امام بود و نظر ایشان مقدم بود...» و نتیجه این سیاست جنایتکارانه اینک: «بالاخره ما بعد از فتح خرمشهر مرتب شهید دادیم، مرتب از طرفین کشته شد و کاری هم از پیش برده نشد، و متأسفانه عراقی ها هم نوعاً جوانان شیعه را از کربلا و نجف می گرفتند و به زور به جبهه ها می آوردند... بعد از فتح خرمشهر هشت نفر از سران کشورها آمدند پشت سر امام در تهران نماز خواندند، یاسر عرفات بود، احمد سکوتوره بود، ضیاء الحق بود، اینها اصرار داشتند که امام جنگ را پایان دهند ولی امام قبول نکردند، همان وقت اگر وساطت آنها قبول شده بود ما در موضع بالا بودیم و می توانستیم خسارت بگیریم و عراق را محکوم کنیم... البته قولی هم هست که خود امام مایل به ختم جنگ بودند و لی طرفداران ادامه جنگ نظر خودشان را به ایشان تحمیل کرده بودند...»

## جاسوسی، خبر چینی، باند بازی مافیایی، حکومت چاپلوسان، و تحقق «کودتای خزنده»

خبر چینی و جاسوسی از هم دیگر، باند بازی های مافیایی و رواج وسیع چاپلوسی، از جمله شیوه های رایج حکومتی در رژیم «ولایت فقیه بوده است، که تا به امروز همچنان ادامه یافته است. منتظری در جایی از خاطرات خود، ضمن اشاره به ناراحتی سران رژیم از رک گویی او در طرح مسایل می نویسد: «من خودم را مسئول می دانستم برای اینکه جزو افرادی بودم که در انقلاب دخالت داشتم و اگر چنانچه حتی از کسی تضییع می شد من خودم را مسئول می دانستم. از آقای شنیدم که از قول احمد آقا می گفت: آقای منتظری باید از آقای... یاد بگیرد، آقای... می آید دست امام را می بوسد و عقب عقب بر می گردد ولی آقای منتظری می آید با امام یک و دو می کند. من تذکر دادن را وظیفه شرعی خود می دانستم.» و در جای دیگری از خاطرات، در باره خط بازی ها و تغییر استانداران توسط محتشمی، به فرمان باند رفسنجانی - احمد خمینی می خوانیم: «وقتی که ایشان وزیر کشور شد [محتشمی] شروع کردند استانداران و فرمانداران را تعویض کنند و پیدا بود برای انتخابات این عمل انجام می شود و خطی برخورد می شد. شی آقای محتشمی از اراک برگشته بود... و من راجع به تعویض بعضی از استانداران اعتراض کردم و به ایشان گفتم مردم به ولایت فقیه رای دادند، نه به ولایت حاج احمد آقا، تا اینکه در جریان قضایای سید مهدی، روزی که حاج احمد آقا نزد من آمدند و ملاقاتی سه ساعته با من داشتند و در حقیقت از من یازجویی می کردند از جمله گفتند: شما به آقای محتشمی گفته اید مردم به ولایت فقیه رای دادند نه به ولایت احمد آقا و باز می گفت به آقای خامنه ای هم گفته اید من حاضرم با امام تا لب جهنم بروم ولی حاضر نیستم به جهنم بروم - معلوم شد هر دو نفر صحبت مرا منتقل کرده اند! من به احمد آقا گفتم واضح است که مردم به ولایت فقیه رأی داده اند نه به ولایت شما. احمد آقا گفت: آیا امام می

## ادامه خاطرات آیت الله منتظری ...

خواهند به جهنم بروند؟ من گفتم: ایشان نمی خواهند جهنم بروند ولی این کارها که در زندان ها به نام امام انجام می شود به عقیده من جهنم دارد و من نمی توانم روی آنها صحه بگذارم...» و در جایی دیگر درباره سرنوشت انقلاب و حاکم شدن افراد اپورتونیست و غیر انقلابی می افزاید: «به قول امروزی ها اپورتونیست ها و فرصت طلبها می آمدند سرکار و افراد خوب کنار گذاشته می شدند، این اسمش «کودتای خزنده» است که در همه انقلاب ها به شکلی تکرار می شود، این بیان همان جمله معروف است که می گویند: «انقلاب فرزندان خود را می خورد» البته مرحوم محمد با این تعبیر مخالف بود، او می گفت: افراد فرصت طلب هستند که پس از به ثمر رسیدن انقلاب می آیند و بچه های انقلاب را داغون می کنند و گناه آن را به گردن انقلاب می اندازند! بالاخره این واقعیتی است که ما می دیدیم بچه های خوب به بهانه واهی کنار گذاشته می شوند و افرادی که اصلاً انقلاب را قبول نداشتند و همین الان هم قبول ندارند می آیند سرخ کارها را به دست می گیرند و انقلابی شش آتسه و طرفدار امام می شوند، این چیزی است که ما از آن می ترسیدیم و متأسفانه تا حد زیادی هم الان عملی شده است.»

### کشتار سازمان یافته زندانیان سیاسی - جنایت بزرگ سران رژیم «ولایت فقیه» در تاریخ معاصر مبین ما

خاطرات آیت الله منتظری، برای نخستین بار، از زبان یکی از دست اندرکاران مهم حکومت جمهوری اسلامی روشن می کند که در سال ۱۳۶۷، هزاران زندانی سیاسی به دستور سران رژیم، و بدون کوچکترین دلیل قانونی، یکی از تکان دهنده ترین جنایات تاریخ مبین ما، قتل عام شدند. آیت الله منتظری می نویسد: «بعد از جریان مرصاد [حمله مجاهدین خلق ایران به کرمانشاه] نامه ای از امام گرفته بودند که منافقین سر موضع را در زندانها اعدام کنند و پس از تعطیل کردن ملاقات های زندانیان به طور کلی با این نامه چنانکه نقل شد حدود دو هزار و هشتصد یا سه هزار و هشتصد نفر را - تردید از من است - اعدام کردند. من راجع به این موضوع دو نامه به امام نوشتم که ظاهراً همین ها زمینه این اتهام [اتهام حمایت از «منافقین»] شده است...»

متن نامه خمینی در این زمینه، که در خاطرات آقای منتظری درج شده است، به قرار زیر است: «از آنجا که منافقین خائن به هیچ وجه به اسلام معتقد نبوده و هرچه می گویند از روی حیله و نفاق است به اقرار سران آنها از اسلام ارتداد پیدا کرده اند... کسانی که در زندانها بر سر موضع نفاق خود پافشاری می کنند محارب و محکوم به اعدام می باشند و تشخیص موضوع در تهران با رأی اکثریت آقایان حجه الاسلام نیری (قاضی شرع) و جنای آقای اشراقی (دادستان تهران) و نماینده ای از وزارت اطلاعات می باشد... رحم بر محاربین ساده اندیشی است، قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تردید ناپذیر نظام اسلامی است، امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمایید. آقایانی که تشخیص موضوع به عهده آنان است وسوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند «اشداء علی الکفار» باشند...»

آیت الله منتظری، در همین خاطرات، اشاره می کند که در پشت همین حکم، خمینی، در پاسخ به شبهات موسوی اردبیلی، رئیس قوه قضائیه وقت، که سؤال کرده بود آیا این حکم شامل کسانی است که حکم اعدام گرفته اند و هنوز اعدام نشده اند، و یا شامل کسان دیگر هم می شود، اضافه کرده بود که: «در تمام موارد فوق هرکس در هر مرحله اگر بر سر نفاق باشد حکمش اعدام است. سریعاً دشمنان اسلام را نابود کنید، در مورد رسیدگی به پرونده ها در هر صورت که حکم سریعتر انجام گردد همان مورد نظر است - روح الله موسوی خمینی»

آیت الله منتظری، در جایی دیگر، ضمن اشاره به بی اختیاری مسئولین، چابلوسی، بی شخصیتی و شریک جرم بودن آنها در جنایات می افزاید: «بعد من به آیت الله موسوی اردبیلی که آن زمان رئیس شورای عالی قضایی بود پیغام دادم: مگر قاضی های شما اینها را به پنج یا ده سال زندان محکوم نکرده اند؟ مگر شما مسئول نبودید! آن وقت تلفنی به احمد آقا می گویی که اینها را مثلاً در کاشان اعدام کنند یا در اصفهان؟ شما خود می رفتی با امام صحبت می کردی که کسی که مثلاً مدتی در زندان است و به پنج سال زندان محکوم شده است و روحش هم از عملیات منافقین خیر ندارد چطور ما او را اعدام کنیم. مگر اینکه جرم تازه ای مرتکب شده باشد که بر اساس آن جرم او را محاکمه کنیم... از زن و مرد در کشور اعدام کردند، حتی افرادی را که نماز می خواندند، روزه می گرفتند، طرف را می آوردند به او می گفتند بگو غلط کردم، او هم به شخصیتش بر می خورد نمی

گفت، می گفتند پس تو سر موضع هستی و او را اعدام می کردند! در همین قم یکی از مسئولین قضایی آمد پیش من و از مسئول اطلاعات قم گله کرد که می گوید تند تند اینها را بکشیم از شرشان راحت شویم...»

### جنایت پیشگی بی حد و حصر

آیت الله منتظری در جای دیگری از خاطرات خود، ضمن پرداختن به ارسال دو نامه اعتراضی به خمینی درباره اعدام ها از ماهیت عمیقاً جنایت پیشه سران و دستگاه قضایی رژیم «ولایت فقیه»، که مردم ما تا به امروز شاهد عملکرد ضد انسانی آن بوده و هستند پرده بر می دارد. در خاطرات می خوانیم: «من دیدم آنها دارند کارشان را ادامه می دهند، اول محرم شد من آقای نیری که قاضی شرع اوین بود و آقای اشراقی که دادستان بود و آقای رئیس معاون دادستان و آقای پورمحمدی که نماینده وزارت اطلاعات بود را خواستم و گفتم الان محرم است حداقل در محرم از اعدام ها دست نگه دارید، آقای نیری گفت: ما تا الان هفتصد و پنجاه نفر را در تهران اعدام کرده ایم، دویست نفر را هم به عنوان سر موضع از بقیه جدا کرده ایم کلک اینها را که بکنیم بعد هرچه بفرمایید! من بسیار ناراحت شدم.» منتظری در ادامه همین بخش همچنین اشاره می کند که در پی ارسال نامه های اعتراضی او به دفتر خمینی نامه ای از سید احمد خمینی بدست او رسید که جالب و افشاگرانه است. در این نامه ضمن اعتراض به منتظری و تعجب از مخالفت او از جمله آمده است: «دید شما را در مورد ضد انقلاب و بخصوص نسبت به منافقین را قبول ندارم. مسئولیت شرعی حکم مورد بحث با من است. جناب عالی نگران نباشید...»

و در جای دیگری می خوانیم: «آقای حسینعلی انصاری که نماینده من در زندانها بود می گفت شش یا هفت برادر بودند که اینها نماز می خواندند، روزه می گرفتند، خیلی هم متعبد بودند، می گفتند ما با منافقین هم مخالف شده ایم، اما به اینها می گویند باید مصاحبه کنید، اینها می گویند ما حاضر نیستیم مصاحبه کنیم ما حاضریم چیزی بنویسیم ولی مصاحبه تلویزیونی نمی کنیم این برای ما شکست است و اینها را به این بهانه گفتند که سر موضع هستند و پنج یا شش نفر آنان را اعدام کردند و فقط یک نفر آنان را که فلج شده بود باقی گذاشتند، به این شکل کار می شد. بالاخره این جریان گذشت بعد از مدتی یک نامه دیگری از امام گرفتند برای افراد غیر مذهبی که در زندان بودند. در آن زمان حدود پانصد غیر مذهبی و کمونیست در زندان بودند، هدف آنها این بود که با این نامه کلک آنها را هم بکنند...» و این چنین است روح حاکم بر دستگاه قضا و قضاوت در رژیم «ولایت فقیه» قساوت بی حد و حصر و جنایت به قصد ایجاد رعب و وحشت و حفظ پایه های حکومت ننگین استبدادی.

### دروغ، بازهم دروغ و حکومت ظلم و استبداد

آیت الله منتظری در پاسخ به «رنجامه» سید احمد خمینی، که در واقع پرونده سازی رسمی رژیم بر ضد او بود، و در ماهیت افشای رژیم ارتجاعی حاکم بر مبین ما می گوید: «حالا که مسأله رنجامه و خاطرات سیاسی را مطرح کردید من این مطلب را عرض کنم: در هیچ جای دنیا یک چنین چیزی سراغ ندارید که دوتا کتاب علیه کسی بنویسند و منتشر کنند و همه روزنامه ها را وادارند رنجامه را چاپ کنند و در تیراژ زیاد تکثیر کنند، دفتر تبلیغات - برحسب آنچه نقل شد - صد هزار نسخه چاپ کند، کمیته انقلاب جدا چاپ کند و هر چه می خواهند در روزنامه های کشور بنویسند و آن فرد مورد اتهام حتی یک کلمه نتواند بگوید! حتی نتواند بگوید اینها دروغ است! و هیچ جریده ای جرئت نکند نامی از او ببرد و اگر یک کسی یک چیزی هم بنویسد قاچاق باشد و مورد تعقیب قرار گیرد! حالا من قايم مقام رهبری نه، یک عام نه، آیا یک انسان و شهروند عادی در این کشور نیستیم؟ این از ظالمانه ترین کارهاست که در جمهوری اسلامی شد، اسمش هم حکومت عدل است... دیروز من در روزنامه خواندم که آقای جنتی در خطبه های نماز جمعه گفته بود: رهبر انقلاب آیت الله خامنه ای با ظلم و ظالم مخالفند و با ظلم جداً مبارزه می کنند، در صورتی که در بهمن ۱۳۷۱ حدود هزار نفر به فرماندهی آقای روح الله حسینیان شبانه آمدند اینجا، بیش از پنج ساعت منطقه و خانه ما را محاصره کردند، همه چیز را غارت کردند، هستی ما را غارت کردند، رعب و وحشت در همه محله ایجاد کردند، هنوز هم که هنوز است وسایلی را که از اینجا برده اند نداده اند و آن کسی هم که فرمانده عملیات بوده به جای اینکه به عنوان ظالم با او مخالفت کنند روز به روز به او مقام و قدرت می دهند! آقای یزدی که رئیس قوه قضائیه است دائم می گوید: هیچ جا در دنیا مثل کشور ما آزادی نیست محاکمات علنی است و افراد و کیل می گیرند و هیئت



هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنگره  
هفتم حزب کمونیست روسیه

## مبارزه برای احیای سوسیالیسم در روسیه کنگره هفتم حزب کمونیست فدراسیون روسیه

هفتمین کنگره حزب کمونیست فدراسیون روسیه، در روزهای ۲ الی ۴ دسامبر در تالار مرکزی اتحادیه های کارگری، در جنب ساختمان «دوما»، در نزدیکی میدان سرخ مسکو برگزار گردید. ۴۰۱ نماینده برگزیده کمونیستهای سراسر فدراسیون روسیه، و ۱۲۰ نماینده از سوی ۸۲ حزب کمونیست، ترقی خواه و چپ از کشورهای جهان، در این کنگره، که در یکی از حساسترین دوره های تاریخ روسیه و حزب کمونیست فدراسیون روسیه برگزار می شد، شرکت داشتند. جوان ترین نماینده در کنگره ۱۹ ساله و مسن ترین آن ها ایگور لیگافف ۸۰ ساله، از رهبران حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سابق بود، که در آخرین مراحل حیات کشور شوراها در موضع مخالفت با جناح گورباچف عمل می کرد. اعلام حضور لیگافف در کنگره، توسط مسئول اداره کنگره، با ابراز احساسات شدید نمایندگان و شعارهای گوناگون آنها مورد استقبال قرار گرفت. رفیق زیوگانف، با تقدیم دسته گلی، حضور او در کنگره را گرامی داشت.

حضور و فعالیت بیش از ۵۰ خبرنگار خارجی و داخلی و دهها دوربین فیلمبرداری کانالهای گوناگون تلویزیونی، نمایشگر اهمیتی بود که محافل بین المللی برای این کنگره کمونیست های روسیه قایل بودند.

در مراسم گشایش کنگره، در جایگاه ویژه هیئت رئیسه کنگره، علاوه بر هیئت رئیسه و هیئت دبیران کمیته مرکزی حزب، رهبران دیگر احزاب و سازمانهای عضو «اتحادیه میهنی روسیه»، که فراکسیون های آنان در «دوما» موتلفین حزب کمونیست اند، نیز در پیشاپیش دیگران و در کنار گنادی زیوگانف نشسته بودند. پس از انجام مراسم گشایش کنگره و قبل از شروع دستور کار اصلی کنگره، هیئتی از نمایندگان کنگره برای ادای احترام، در بنای یاد بود لنین، بنیان گذار حزب کمونیست و رهبر کبیر انقلاب اکتبر، حضور یافتند بر مزار او دسته گل نهادند.

دستور کار کنگره هفتم کمونیست های روسیه شامل بررسی و تصویب گزارش سیاسی کمیته مرکزی، گزارش کمیسیون نظارت مرکزی، قطعنامه درباره وضعیت سیاسی اجتماعی روسیه و آماج های کوتاه مدت حزب، قطعنامه درباره جهانی شدن امپریالیستی، برنامه و اساسنامه حزب و شماری دیگری از اسناد بود.

بحثهای اصلی کنگره پس از قرائت گزارش سیاسی مفصل کمیته مرکزی که توسط رفیق گنادی زیوگانف آغاز گردید. رفیق زیوگانف گزارش سیاسی خود را، که در پنج فصل تدوین شده بود با نگاهی به وضعیت جهان در پایان قرن بیستم و آستانه قرن بیستم و یکم میلادی آغاز کرد و سپس با بررسی اوضاع اجتماعی روسیه، عملکرد حزب در دفاع از دستاورد های سوسیالیسم و مقابلتهاجم کارگزاران اعاده سرمایه داری و اقدام به تقویت حزب ادامه داد، و در انتها ترسیم مشخصات معنوی سوسیالیسم به کنگره ارائه داد. رفیق زیوگانف با اشاره به نقش امپریالیسم جهانی و «نظم نوین جهانی» و ارگان های بین المللی در خدمت آن نظیر صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی، تاکید کرد: «پیشرفتهای خیره کننده انقلاب علمی و فنی و جهانی شدن اطلاعات و ارتباطات، صلح و امنیت و توسعه بیشتری برای اکثریت مردم جهان به ارمغان نیاورده است. تنها طی دهسال اخیر حدود شش میلیون نفر در جنگ های محلی در بیش از هشتاد کشور جهان کشته شده اند. سوسیالیسم تنها جایگزین واقع بینانه در مقابل وضعیت موجود است. تنها سوسیالیسم شرایط زیستی بهتر را برای کل جامعه بشری فراهم میآورد. انتخاب دیگری وجود ندارد: یا «نظم نوین جهانی»، دیکتاتوری انحصارات فراملی، نگاه داشتن ۸۰ درصد ساکنین جهان در شرایط مادی و معنوی وخامت بار، و یا انتخاب و گزینش سوسیالیستی. امروز، همچون آغاز قرن

بیستم، روسیه در نقطه عطف این انتخاب قرار گرفته است. ما نتایج فاجعه بار تخریب جامعه خودمان را تحت به اصطلاح «رفورم» می بینیم. حتی از دیدگاه نظری نیز این «رفورم ها» امکان عضویت روسیه در باشگاه کشورهای ثروتمند سرمایه داری را فراهم نمی کند... چپاول ثروت ملی، تخریب اقتصاد، دگرگون شدن ظالمانه روابط کاری، تنزل پایه علمی - فنی و... روسیه را به یک کشور جهان سومی تبدیل کرده است. سطح زندگی اهالی کشور در حال تنزل دائمی است. تقریباً نیمی از خانواده ها در زیر خط فقر زندگی می کنند. خیابان ها مملو از کودکان بی سرپرست است. بیماری سل و اعتیاد به مواد مخدر به شکل اپیدمی اجتماعی در آمده است. از نظر آهنگ گسترش بیماری «ایدز»، روسیه اکنون مقام اول را در جهان کسب کرده است! سقوط امنیت اجتماعی و ملی در تمامی اشکال و معیارهای آن، موجب تلفات عظیم انسانی در کشور شده است. در نتیجه همه این مصایب، تلفات روسیه طی ده سال اخیر بر تلفات آن در طی سال های جنگ میهنی فزونی می گیرد. انتخاب دیگری وجود ندارد، یا سقوط دائمی سطح زندگی، و یا بازگشت مجدد به انتخاب سوسیالیستی. طی صد سال اخیر دوبار، در سال های ۱۹۱۷ و ۱۹۴۱، کمونیست ها پیشاپیش مردم برای نجات کشور مبارزه و آنها را در این راه رهبری کردند. اینک برای سومین بار ما برای نجات آینده مهبتمان از فاجعه و بدبختی آماده می شویم.»

رفیق زیوگانف در بخشی از گزارش خود به کنگره درباره ارزیابی حزب کمونیست فدراسیون روسیه از دولت حاکم سخن گفت: «فعالیت های حزب اکنون در شرایط متفاوتی ادامه خواهد یافت. رژیم حاکم موفق شده است که جایگزینی رئیس جمهور را با موفقیت سامان بدهد، و این امید هایی را در جامعه دامن زده است. حزب کمونیست فدراسیون روسیه هیچ توهم ویژه ای در مورد برنامه های جانشین یلتسین ندارد. اما با توجه به انتظاراتی که رئیس جمهوری جدید در مقایسه با یلتسین برانگیخته است، حزب کمونیست موضع محتاطانه ای را اتخاذ کرده است. بگذار که او ثابت کند که نیاتش جدی است، اما البته ما هیچ گاه از انتقاد نسبت به رخدادهای اقدامات قوه اجرائیه که به ضرر مردم کشور باشد، دست نخواهیم شست... پوتین بیش از یک سال در قدرت بوده است، و باید اذعان کنیم که امید های مردم روسیه برای تغییر در سیاست دولت به واقعیت نپیوسته است. البته شعارهای میهن دوستانه، کلمات زیبا درباره روسیه، احترام به ارزش ها و نمادهای مورد علاقه مردم، بد نیست اما چنین ژست هایی به خودی خود هیچ معنایی ندارند. ما قدم های مشخص عملی در سمت بهبود جدی اوضاع نمی بینیم. دولت جدید حتی با شور و شوقی بیش از پیشینیان خود به آهنگ صندوق بین المللی پول می رقصند. طرح هایی در دست اجرا است که تمامی آنچه را که از تضمین های اجتماعی به نفع مردم زحمتکش باقی مانده است، تخریب می کند... در چنین شرایطی باید چگونه به رئیس جمهوری برخورد کنیم؟ تاکنون حزب ما به یک فرمول ساده پای بند بوده است: ما زهر کدام از اقدامات او که مثبت است حمایت خواهیم کرد. ما بطور بی رحمانه ای از هر چه که غلط است، انتقاد خواهیم کرد. ما تمامی قدم هایی را که از یک اپوزیسیون سازنده انتظار می رود، بر خواهیم داشت.»

گزارش کمیته مرکزی، هسته طرح ریاست جمهوری و دولت را در جهت «تقویت ساختار مرکزی قدرت»، یا در جهت جایگزین کردن یک قبیله به جای قبیله دیگر که در صدد تصاحب قدرت و مالکیت اند می داند، و نتیجه می گیرد که جایگزینی چهره های منفوری نظیر برزوفسکی و گوسینسکی هیچ تغییری ایجاد نمی کند... بنابراین

## ادامه هفتمین کنگره حزب کمونیست روسیه ...

حزب کمونیست فدراسیون روسیه، نقش خود را به مثابه یک اپوزیسیون مستدل و سازش ناپذیر و مخالف در پیش گیری راه مخرب سرمایه داری مورد تاکید قرار می دهد. « کمیته مرکزی سه عرصه اصلی فعالیت های آینده حزب را به شرح زیر تعریف کرد:

اولا: گسترش نفوذ حزب در میان تعاونی های کارگری و در تمامی لایه های اپوزیسیون، کسب اعتماد و حمایت فعال آنها. این امر به ویژه از آن جهت حائز اهمیت است که کار تشکیلاتی و تبلیغاتی در میان توده ها به منظور متحد کردن مردم زحمتکش برای مبارزه در مسیر منافع و حقوق آنان، تشدید گردد.

ثانیا: ارائه یک جایگزین مشخص در مقابل رژیم حاکم. بدون این که منتظر ملی از طریق سپردن اهرمهای قدرت واقعی بدست کمونیستها و متحدان آن، در سطوح فدرال، منطقه ای و محلی عمل کنیم.

ثالثا: تقویت حزب از طریق ارتقاء وحدت و نظم در درون صفوف آن، توجه خاص به انتخاب و آموزش کادرها و دستیابی به حرفه ای بودن واقعی در کار حزبی.

«هدف استراتژیک، و تنها آینده با افتخار برای روسیه، سوسیالیسمی است که بر پایه دستاوردهای گذشته، و آموختن از تجارب باز سازی شود. خط استراتژیک حزب، محافظت از منافع مردم زحمت کش، و در مرتبه اول کارگران حقوق بگیر است. حزب کمونیست فدراسیون روسیه معتقد است که، وظیفه تعیین شده در برنامه حزب، مبنی بر گرفتن قدرت از بورژوازی کمپرادور - مافیایی و ایجاد حکومت مردم زحمتکش و نیروهای میهن پرست در مرحله کنونی وظیفه کلیدی حزب است.

حل این دو وظیفه مرتبط به هم شرایطی را فراهم می کند تا روسیه کشوری بشود که در آن قدرت و مالکیت به مردم زحمتکش تعلق دارد، که در آن هر کسی بتواند اهدافش را با کار شرافتمندانه، کسب دانش و مهارت، تضمین سطح زندگی آبرومند برای خانواده خود دنبال کند، جایی که همه به آینده با اطمینان بنگرند.»

گزارش سیاسی کمیته مرکزی با شعار، «ما اطمینان داریم که میهن ما مجددا روسیه کبیر سوسیالیستی خواهد شد!» در میان استقبال شورانگیز نمایندگان خاتمه یافت.

پس از آن، گزارش کمیسیون نظارت مرکزی قرائت گردید، و سپس نمایندگان کنگره به بحث و بررسی اسناد و ارائه گزارش از وضعیت نواحی فعالیت خود پرداختند.

میزان بسیار بالایی طلاق، ازدیاد فرزندان بی پدر، مرگ و میر فزاینده کودکان، نبود گاز و برق در بسیاری از نواحی کشور، افزایش تبعیض های نژادی، حراج ثروت های ملی کشور، فروش موسسات تولیدی که به مردم تعلق داشتند، سوءمدیریت بسیاری از مقامات اجرایی محلی و پایمال کردن عامدانه حقوق حقه مردم در این مناطق، در مرکز توجه کنگره قرار داشت.

نمایندگان کنگره، ضمن اشاره به پیروزی مداوم کمونیست ها در انتخابات مقام های اجرایی بسیاری از مناطق، در این نکته متفق القول بودند که فرد انتخابی صرف نظر از سرخ و یا سفید بودن، باید در جهت منافع خلق حرکت کند. برای تحقق این امر کمونیست ها باید چنان عمل کنند که فرمانداران و اادار شوند تا تحت کنترل و نظارت مردم انجام وظیفه کنند.

در سخنان برخی از نمایندگان نیز انتقاد ها و پرسش هایی نسبت به پیشرفت فعالیت حزب کمونیست مطرح می شد. آنها معتقد بودند که سرعت افزایش اعضای حزب و افزایش آراء حزب در مقاطع انتخاباتی، طی دوسال اخیر، همانند سال های گذشته نبوده و نسبتا کاهش یافته است. سرعت افزایش وخامت اوضاع اقتصادی و اجتماعی مردم و نارضایتی آنها بیش از میزان رشد اعضای حزب و آرای آن در انتخابات است. طی سال گذشته، میزان آرای مردم به نفع حزب در حدود ۳۰ درصد ثابت مانده است. به نظر برخی از نمایندگان علت این امر در مبهم بودن مدل سوسیالیستی بی است که قرار است مجددا ساخته شود: « برای مردم روشن نیست که این مدل با مدل شناخته شده سوسیالیسم سابق چه فرقی دارد. ما آنها را به چه نوع سوسیالیسمی دعوت می کنیم. چنین ابهاماتی فقط با کار تئوریک گسترده تر رفع خواهد شد.»

گنادی سیزنیف، عضو هیئت رهبری حزب و سخنگوی «دوما» در صدر منتقدین قرار داشته او گفت: «چرا خودمان را فریب می دهیم. تعداد نمایندگان عضو حزب در دوما کاهش یافته است. اگر وضع به همین صورت پیش برود ما به وضعیت سابق در سال ۱۹۹۴ بر می گردیم، که حدود ۱۰ درصد نمایندگان «دوما» عضو حزب بودند. اگر می خواهیم در انتخابات بعدی پیروز شویم، باید

برنامه و تاکتیک های خود را تغییر دهیم.»

در طول جلسات کنگره، رهبران و نمایندگان احزاب برادر و میهمان و از جمله حزب کمونیست اوکراین، حزب کمونیست چین، حزب کمونیست ویتنام، حزب کمونیست کوبا، حزب کارگر کره شمالی، حزب سوسیالیست صربستان، حزب کارگری مجارستان، حزب بعث سوریه، سازمان آزادیبخش فلسطین (الفتح)، پیام های تبریک خود به کنگره و رؤس مورد توجه در تقویت بین احزاب خود را به اطلاع نمایندگان کنگره رسانیدند و برای آنها آرزوی موفقیت کردند و با ابراز احساسات شدید نمایندگان رویه رو شدند. علاوه بر این، گرداننده جلسه، در فواصل سخنرانی ها، دریافت پیام تبریک سایر احزاب را به اطلاع کنگره می رساند و نمایندگان با ابراز احساسات خود از آنها استقبال می کردند. پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز در همان گروه اول به اطلاع نمایندگان رسید.

علاوه بر اینها، پیام برخی از شخصیتها و سازمانهای سیاسی و فرهنگی و صنفی روسیه به کنگره، توسط گرداننده جلسه در فواصل منظم قرائت می گردید. از مهمترین این پیامها، پیام «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهوری روسیه به کنگره بود. پوتین در پیام تبریک خود، ضمن اشاره به اعتماد عمیقی که بخش عمده ای از شهروندان روسیه به حزب کمونیست دارند و نقش موثری که حزب کمونیست در حیات سیاسی و اجتماعی کشور و ثبات اجتماعی دارد، برای کنگره آرزوی موفقیت کرد.

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران، در کنگره شرکت فعال داشت، و در جلسات تبادل نظر در حاشیه کنگره، نمایندگان احزاب کمونیست روسیه، آمریکا، لبنان، پرتغال، اردن، عراق، کردستان، سوریه، بلغارستان، یوگسلاوی، ازبکستان، ترکمنستان، آذربایجان، تاجیکستان، ارمنستان، قزاقستان، حزب دموکراتیک خلق اندونزی و حزب سوسیالیست صربستان را از اوضاع بفرنج ایران، منطقه و جهان و توجه ویژه حزبمان به روابط متقابل و برادرانه بین احزاب مطلع ساخت. نمایندگان احزاب برادر از طریق مدارک رسمی بی که حزب مان به آنان ارائه کرد، در جریان آخرین تحولات سیاسی کشورمان قرار گرفتند.

## ادامه خاطرات آیت الله منتظری ...

منصفه هست! خوب ما که می بینیم افراد را سری محاکمه می کنند بعد هم به هرچه می خواهند او را محکوم می کنند، آقایان چرا حرفهایی می زنند که خودشان می دانند دروغ است؟ ... من گناه این بود آنچه را درک می کردم و می دانستم که شعارهای دروغی است و کارهای غلطی است برای اینکه قداست جمهوری اسلامی و قداست امام و روحانیت باقی بماند اینها را می گفتم ... من بنا را بر این گذاشته بودم که جمهوری اسلامی است و صداقت و رفاقت در کارست، نه اینکه اغراض و دستها و اهداف دیگری در کارست، حالا می خواهند اسمش را سادگی بگذارند، بگذارند.»

خاطرات آیت الله منتظری، از سیمای سبزه سحران رژیم، که همچون یک باند مافیایی جنایتکار بر میهن ما حاکم شده اند و آماده اند برای حفظ حاکمیت خود همه چیز را قربانی کنند، پرده بر می دارد. ماهیت عمیقاً افشاگرانه این خاطرات برای همیشه پرده استتار و «قداست» سران رژیم، که در لباس «روحانی» خود را پنهان کرده اند کنار می زند و آنان را در حد جنایتکارانی سیاه روی، همان طور که شایسته آنان است، نشان می دهد. خشم عمیق سران رژیم از انتشار این خاطرات بی پایه نیست. تهدیدات سید علی خامنه ای، «ولی فقیه» رژیم، در جریان سخنرانی نماز عید فطر، و تهدید مخالفان و دگراندیشان در عمل، و یا به عبارت دقیق تر سرکوب، اشاره روشنی به آیت الله منتظری و دیگر منتقدان داخلی داشت، و از این رو باید منتظر تشدید حملات دستگاه های سرکوب رژیم بر ضد دگراندیشان مذهبی بود. خاطرات آیت الله منتظری همچنین از ادعاهای دروغین فرصت طلبانی که امروز خود را در صفوف اصلاح طلبان جا زده اند پرده بر می دارد و دیگر بار بر این نظریه مهر تأیید می زند که تنها صف قابل تشخیص و واقعی در میهن ما صف نیروهای خلقی در مقابل صف ارتجاع است و همه نیرو و شخصیت های اجتماعی باید جایگاه خود را بر این اساس روشن کنند.

حزب توده ایران بار دیگر همه نیروهای مترقی و ملی را به همبستگی با دگراندیشان مذهبی و غیر مذهبی فرا می خواند. در این مبارزه نیروهای مترقی جهان یار و یاور جنبش اصلاح طلب در درون میهن ما هستند. این مبارزه با اتکاء به توان و جنبش اجتماعی توده های کارگر، جوانان و دانشجویان مبارز، زنان بیکارگر و تمامی نیروهای سیاسی و اجتماعی معتقد به آزادی و عدالت اجتماعی به سرانجام پیروزمند خود خواهد رسید. برای تسریع این روند همبستگی هرچه فشرده تر و سازماندهی ضرورت درنگ ناپذیر لحظه است.

## هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنفرانس احزاب کمونیست - کارگری در مسکو

رای ریخته شده، از ۶/۵ میلیون در سال ۱۹۹۳، به ۳۵ میلیون رای در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته است، ولی ما مطمئن هستیم که آرای کمونیستها بیش از اینهاست. در هر انتخاباتی تخلفات و تقلبات متعدد و اعمال نفوذ های فراوانی به ضرر کمونیستها صورت می گیرد. هر بار حدوداً ۱۵۰۰ نفر برای نظارت بر مراحل انتخابات از اروپا به کشور ما می آیند. هر بار ما به آنها می گوئیم که چه مناطقی حساس تر است ولی متأسفانه توجهی نمی شود. نیروهای دیگر روسیه لیبرال دموکراتها هستند. همگی آنها رویهمرفته تقریباً دارای ۱۰ درصد آرایند. همه آنها مورد حمایت کامل مالی و فکری غرب اند. اینها نیروی ثابت و مشخصی دارند. اکثر منابع دولتی و غیر دولتی اقتصادی را در کنترل خود دارند و در هر مناسبتی فقط نام احزاب خود را تغییر می دهند.

۱۴ حزب به عنوان احزاب سوسیالیست و سوسیال دموکرات وجود دارند، که گردانندگان آنها افرادی هستند نظیر گورباچف، یا کولف، ریچکین و نظیر آنان. این احزاب، همگی با هم حدود یک درصد آرا را به دست می آورند! همه اینها پیکره های کاغذی اند که فقط با تبلیغات غربی و همیاری آنها در روسیه بزرگ نمایی می شوند. طنز قضیه این جاست که، گورباچف برای نامزدی خود در انتخابات نیم میلیون امضا جمع می کند، ولی فقط ۱۲۰ هزار رای به نفع او در صندوق های آرا ریخته می شود....»

پس از کویتسف، رومانوف، یکی دیگر از اعضای هیئت رئیسه حزب کمونیست روسیه به تشریح وضعیت اقتصادی روسیه و دیدگاههای حزب در عرصه اقتصادی پرداخت. پس از آن هیئت های نمایندگی احزاب کمونیستی و سایر احزاب چپ و ترقی خواه دیگر کشورها رشته سخن را به دست گرفتند و نقطه نظرات خود را پیرامون مسایل جهانی، منطقه ای و کشورهای خود بیان کردند. موارد مشترک سخنان آنان را می توان به شرح زیر جمع بندی کرد:

انحلال اتحاد شوروی به امپریالیسم آمریکا امکان داد تا در جهان یکه تازی کند و با تلاش برای استقرار «نظم نوین جهانی» در جهت تثبیت حاکمیت یگانه خود بر جهان بکوشد. تسلط سرمایه داری نوین جهانی و انحصارات فراملی، عواقب وخیم و شومی برای اکثریت ساکنین جهان و کارگران و زحمتکشانشان به بار می آورد. «ناتو» نقش نیروی نظامی و سرکوبگر این سلطه جویی اقتصادی را به عهده دارد. این نیروها سعی می کنند تا همه سدها و موانع موجود را از سر راه خود بردارند. همبستگی همه نیروهای کمونیست، چپ و ترقی خواه جهان در رویارویی با این روند یک ضرورت مبرم بشردوستانه است. در همین باره، احزاب اروپایی برای همبستگی نیروهای اروپایی بر ضد سلطه جویی امپریالیسم آمریکا در اروپا، نقش تعیین کننده ای قابل بودند. برخی از احزاب اروپایی اشاره می کردند که از فرط توجه به مسایل داخلی کشور خود، به مبارزه جهانی بر ضد سرمایه داری کمتر توجه شده است.

نمایندگان کمونیستهای کشورهای عربی ضمن اشاره به کمک های تعیین کننده اتحاد شوروی به اعراب در نبرد بر ضد امپریالیسم و صهیونیسم، بر ضرورت همبستگی عاجل منطقه ای و جهانی در برابر روند تحمیلی حل و فصل مناقشات کشورهایشان در چهارچوب سیاست های امپریالیستی تاکید کردند. ضرورت حل و فصل عادلانه مناقشه اعراب و اسرائیل، تامین حقوق ملی خدشه ناپذیر خلق فلسطین، قطع فوری تحریم اقتصادی بر ضد عراق و لیبی مکرراً مورد تاکید قرار گرفت.

کلیه احزاب کمونیست و چپ و حاضر در این کنفرانس، بر ضرورت عاجل یافتن یک استراتژی یگانه در برابر سلطه جویی امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری جهانی و روند امپریالیستی جهانی شدن تاکید ورزیدند و خواستار تشریح مساعی جمعی برای تحقق این امر شدند.

به ابتکار هیئت رهبری حزب کمونیست فدراسیون روسیه، اجلاسی یک روزه، در ۴ دسامبر با شرکت رهبران و نمایندگان احزاب برادر و میهمان شرکت کننده در کنگره حزب برادر، برگزار گردید. در آغاز این اجلاس، که رهبران برجسته حزب برادر در آن شرکت داشتند، رفیق زیوگائف پس از خوش آمد به احزاب حاضر نتایج انتخاب رهبری جدید حزب و تصویب اسناد کلیدی کنگره را به اطلاع رساند. زیوگائف با قرائت فهرست اسامی رهبری جدید، انتخاب والنتین کویتسف و ایوان ملینکوف را به عنوان معاونین اول و دوم صدر حزب و نیز گنادی سیزنیف به عنوان عضو هیئت رئیسه حزب اعلام کرد. صدر حزب کمونیست فدراسیون روسیه سپس اشاره کوتاهی به وضعیت جهان و نقش کمونیست ها و آماج های حزب کمونیست داشت. او اظهار داشت: «دنیا و کشور ما روسیه در وضعیت بسیار حساسی به سر می برد. نظیر این شرایط فقط در ابتدا و میانه قرن بیستم وجود داشت. ایالات متحده آمریکا به عنوان قوی ترین کشور جهان در حال گسترش سلطه خود بر جهان است. متأسفانه اتحادیه اروپا آنچنانکه لازم است، در مقابل سیطره جویی آمریکا عمل نمی کند... جمهوری خلق چین، طی سال های اخیر، در زمینه های مختلف رشد چشمگیری کرده است. بین ما و حزب کمونیست چین روابط حسنه ای برقرار است. ما امید فراوانی داریم که جمهوری خلق چین بتواند نقش موثری در تحولات جهانی داشته باشد... هند یکی از کشورهای قوی آسیا با رشد اقتصادی خوب، از کشورهایی است که می تواند نقش موثری در جهان ایفا کند. ما همچنین سعی داریم که با ژاپن، به عنوان قوی ترین اقتصاد آسیایی روابط خوبی داشته باشیم... ما توجه خاصی به جمهوری های سابق اتحاد شوروی داریم. اتحادیه احزاب کمونیست این جمهوری ها از متحدین ما هستند که باید مورد توجه دائمی قرار داشته باشند... جهان در وضعیت شتابانی به سر می برد. جریان تحولات و تغییرات هر دم سریعتر می شود. دانشمندان ما پیش بینی می کنند که طی ۲۰ سال آینده، جهان بیش از ۲۰۰ سال گذشته تغییر خواهد کرد. از نظر سیاسی دو احتمال وجود دارد. اول احتمال تسلط دیکتاتوری نظامی جهانی و دوم استقرار روابط دموکراتیک و برابر حقوق بین کشورها و ملل گوناگون است. تحقق احتمال دوم به همبستگی کلیه نیروهای چپ و خردمند دنیا بستگی دارد. ما فکر می کنیم که حزب ما می تواند نقشی جدی در تمرکز نیروهای کمونیست و چپ دنیا ایفا کند.»

سخنران بعدی، والنتین کویتسف بود، که پس از شاد باش و خیر مقدم به احزاب برادر و میهمان به بازبینی وضعیت روسیه و حزب کمونیست، در ده سال اخیر پرداخت. او به نقش ویژه ارگان های خبری و سخن پراکنی غربی و کانالهای تلویزیونی دولتی و غیر دولتی داخل روسیه، که مورد حمایت غرب اند، پرداخت و گفت: «همه اینها مخالف ما هستند و دست در دست هم، در حال نابودی تمامی بنیادهای فکری، فرهنگی و اقتصادی جامعه روسیه اند. با توجه به این مسایل ما هیچ گاه فکر نمی کردیم که پیروزی خود اطمینان داریم، ولی بدون حمایت احزاب برادر و نیروهای ترقی خواه، پیروزی برای حزب ما بسیار دشوار خواهد بود. نیروهای وابسته به سرمایه داری جهانی، در آمریکا و اروپا به خوبی می دانند که پیروزی مجدد سوسیالیسم در روسیه، تمامی مناطق سابقاً تحت نفوذ نیروهای چپ را به حرکت در خواهد آورد.»

کویتسف آنگاه به تشریح آرایش نیروهای سیاسی روسیه و وضعیت مشخص حزب کمونیست روسیه پرداخت. او گفت: «کمونیستها اکنون قوی ترین نیروی سیاسی متشکل جامعه اند. حزب کمونیست فدراسیون روسیه هم اکنون ۵۵۰ هزار عضو دارد. حزب کمونیست کارگری روسیه نیز ۳۰ هزار عضو دارد. با احتساب سایر نیروهای چپ، مجموعه احزاب کمونیست و چپ روسیه حدوداً ۵۹۰ هزار عضو دارند. در اثر فعالیتهای ثمر بخش این نیروها، میزان آرای اعلام شده ای که به نفع کمونیستها به صندوق های



# زنان در رژیم ولایت فقیه

کودک اند که همراه مادران خود در پشت میله های زندان بزرگ می شوند!!  
روزنامه جمهوری اسلامی، روز ۱۸ مرداد ماه، در گزارشی، نوشت: «۱۲ درصد از کل افراد ممنوع الخروج از کشور را دختران تشکیل می دهند.» پدیده خروج دختران جوان از طبقات و قشرهای محروم جامعه از سراسر ایران، به بهانه کار در کشورهای خارجی، به ویژه شیخ نشین های حاشیه جنوبی خلیج فارس، واکنش های زیادی را در سطح جامعه به دنبال داشته است، زیرا بخش مهمی از این دختران جوان به صورت برده توسط شیخ نشین ها و ثروتمندان عرب خرید و فروش شده و به فحشا کشیده می شوند. برخی از باندهای قاچاق انسان که توسط جناح هایی از درون مافیای جمهوری اسلامی حمایت می شوند، در انتقال دختران جوان به شیخ نشین های خلیج فارس نقش دارند.

در برابر این آمارهای تکان دهنده، پرسشی ساده به ذهن خطور می کند، ریشه این فاجعه در کجاست؟ دلایل چنین مصیبتی چیست؟

تاکنون مسئولین رسمی رژیم ولایت فقیه در برابر این پرسش ساده اما مهم، یا سکوت کرده، و یا به دروغ پردازی و سفسطه گری متوسل شده اند. آنچه به گفته مقامات حکومتی بنیاد خانواده را به حالت فروپاشی کشانده است، در درجه نخست، ناشی از برنامه و عملکرد رژیم ولایت فقیه و سرشت زن ستیز و واپس گرای آن است! وضعیت فاجعه بار زندگی زنان میهن ما یکباره پدید نیامده است، و یا به طور موقت و یا برخلاف اعتقاد برخی از مداحان سبک مغز مدافع جمهوری اسلامی، ناشی از «تهاجم فرهنگی» و «نا توانی» ذاتی زن نیست! این فاجعه محصول بلا فصل سیاست های ضد ملی، بیست سال گذشته در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که کماکان ادامه دارد. سمت گیری اقتصادی - اجتماعی رژیم در کنار ویژگی واپس گرایی تفکر سردمداران جمهوری اسلامی، چه محصولی جز این فاجعه می توانست داشته باشد!!

به آمار طلاق نظری بیفکنیم، در تاریخ ۱۱ آبان ماه سال جاری، سازمان ثبت اسناد کشور اعلام داشت که، در ۶ ماهه اول امسال، ۲۴ هزار و ۲۰۳ فقره طلاق در ایران به ثبت رسیده است که، در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، ۹ درصد افزایش نشان می دهد.))  
طلاق، یک پدیده اجتماعی است، که در کشور ما، بیش از هر چیز زمینه اقتصادی دارد و به موازات گسترش فقر و بیکاری، رشد می کند. این پدیده تلخ بیشتر در طبقات و قشرهای محروم جامعه مشاهده می شود، زیرا آنان قادر نیستند، حداقل سطح زندگی را برای خود فراهم آورند. در سال جاری، بیشترین درصد ناهنجاری های اجتماعی به مناطق صنعتی - تولیدی، که اکنون با رکود و تعطیلی مواجه اند، اختصاص داشت. زنان و کودکان کارگران اولین قربانیان این وضعیت به شمار می آیند.

در این باره، سخنان معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی گویاتر از هر توضیح و تفسیری است. این مقام مسئول در جریان نشست معاونین امور اجتماعی سازمان بهزیستی، در بندر عباس، از جمله اظهار داشت: «اجرای برنامه های اول و دوم توسعه، به توسعه معضلات اجتماعی منجر شده است. هم اینک ۱۲ میلیون نفر در ایران فقیر هستند. ۲ میلیون نفر معتاد داریم و بیش از ۳ میلیون نفر بیکار هستند.»

بخش قابل توجه و مهمی از آمار مذکور، شامل زنان و دختران می شود. بنا به ارزیابی اعضای هیئت علمی دانشگاه زهرا (الزهرا)، در صد بالایی از کسانی که زیر خط فقر به سر می برند، زنان هستند، ۵۰ درصد کل کودکان فقیر تحت سرپرستی زنان روستایی قرار دارند. به بیان روشن، سمت گیری اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه که بر منطق نولیبرالیسم اقتصادی استوار است و محور آن را سیاست ضد ملی خصوصی سازی و تامین امنیت سرمایه تشکیل می دهد، موجب فقر زنان، پامال گردیدن امنیت شغلی آنها و سقوط مداوم سطح دستمزدها و در نتیجه سطح زندگی زنان شاغل بوده است.

روزنامه کار و کارگر، در تاریخ ۲۸ شهریور ماه سال جاری، در گزارشی از شرایط زندگی و کار هزاران بافنده روستایی، از جمله نوشت: «بیش از ۵۰۰ هزار بافنده روستایی تحت پوشش طرح سازمان دهی فرش روستایی وزارت جهاد سازندگی هستند که ۷۰ درصد آنها را زنان و دختران تشکیل می دهند.»

اکثریت قریب به اتفاق این زنان زحمتکش، از ابتدایی ترین حقوق، تاکید می کنیم ابتدایی ترین حقوق محرومند. آموزش، بهداشت و جز اینها شامل حال آنها نمی شود. کودکان معصوم این زنان زحمتکش، که باید آینده سازان ایران فردا باشند، در فقر و محرومیت بسر می برند و سالیانه درصد بزرگی از آنها، به خیل رو به گسترش کودکان خیابانی می پیوندند. تحول در زندگی روستاها که اساس و شالوده آن اصلاحات ارضی متریقی به سود دهقانان می باشد، از مبرم ترین خواست های جنبش دموکراتیک و انقلابی مردم ما در شرایط کنونی است.

شرایط زندگی نیمی از جامعه ما، یعنی زندگی زنان و دختران در جمهوری اسلامی، چنان فاجعه بار و دردناک است که می توان آن را در تاریخ معاصر ایران مثال زدنی دانست. روزی نیست که، در مطبوعات مجاز و دیگر رسانه های همگانی، اخبار و گزارش های گوناگون از ابعاد زندگی تلخ و رنج بار زنان و دختران میهن ما درج نشود. اخبار فوق، آینه تمام نمای یک فاجعه است، فاجعه بی فراگیر و فوق العاده خطرناک برای آینده کشور.

خبرگزاری جمهوری اسلامی، در مهر ماه سال جاری کنونی، ضمن درج خبری درباره زنان به نقل از دکتر پورگیو، استاد یار دانشگاه شیراز، گزارش داد: «آمار دختران و زنان فراری آن چنان مسأله ساز شده است که، مرکزی به نام ریحانه برای پناه دادن آنها ایجاد گردیده، آمار اعتیاد در زنان بشدت بالا رفته و سن فحشا به زیر ۲۰ سال رسیده است. صفحه حوادث روزنامه های کشور پر از اخبار دستگیری دختران جوان با لباس های پسرانه است که، در پارک ها و خیابان ها به ولگردی مشغولند. آمار دقیقی از این مشکلات در دست نیست.»

روزنامه ایران نیز، به تاریخ ۱۲ مرداد ماه، طی گزارشی از قول فرماندهی نیروی انتظامی تهران بزرگ، یادآور شد: «هم اکنون ۲۰۰۰ دختر فراری در تهران هستند که، از سرنوشت آنها خبری در دست نیست، باندهای مختلفی در کمین هستند، آنان از دختران فراری برای توزیع مواد مخدر، زدی، فحشا، اخاذی و مهم تر از همه، جراحی روی بدن آنها جهت خارج کردن کلیه، کبد و ... استفاده می کنند. هر چند یکبار جسد دختران مجهول الهویه در گوشه و کنار شهرهای بزرگ بخصوص تهران کشف می شود.»

آمار در خصوص زنان و دختران فراری واقعا وحشتناک و نگران کننده است. استناداری خوزستان اخیرا اعلام داشته است که، طی دو ماهه تابستان (تیر و مرداد ماه امسال)، تنها در شهر اهواز ۹۰۰ دختر از خانه گریخته اند. آمار منتشره توسط استناداری آذربایجان شرقی حاکی از آن است که، طی تابستان سال ۷۹، فقط در شهر تبریز ۸۵۰ مورد فرار دختران جوان گزارش شده است. به گزارش رسمی مقامات دولتی بیش از ۳۰۰ مورد ناپدید شدن دختران گزارش گردیده است. در بررسی کارشناسانه بی که پژوهش گران مرکز مطالعات و تحقیقات زنان در جمهوری اسلامی ارائه داده اند، از هر ۱۲۸ مورد فرار جوانان از خانه در سه ماهه اول سال، ۷۹ مورد آن را دختران به خود اختصاص می دهند.

روزنامه رسالت، در تاریخ ۱۰ آبان ماه امسال، طی مطلبی خاطر نشان ساخت، روزانه بیش از ۱۰۰ دختر جوان راهی زندان های جمهوری اسلامی در سراسر کشور می شوند، خبرگزاری ایسنا در تاریخ ۲۸ شهریور ماه ۷۹، به نقل از معاون فرهنگی - تربیتی سازمان زندان های جمهوری اسلامی، گزارش داد: «از همه کسانی که به عفاف، غیرت و شرافت فکر می کنند، استمداد می طلبم، بنیاد خانواده در حال فروپاشی است. در ایران هر ۵۹ ثانیه ۱ نفر وارد زندان می شود، (یعنی زندانی می شود)، که بیش از ۳ تا ۴ درصد آنها زن هستند. اطلاع یافتن از وضعیت دختران ۱۵ تا ۱۸ ساله که، در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می شوند، یا زانی که در سنین کهولت - ۵۰ تا ۷۰ سالگی - در زندان هستند، آرامش فکری هر انسان دردمندی را به هم می زند.»

در عین حال، رئیس سازمان زندان های کشور به طور رسمی آمار زندانیان زن را ۵۲۹۲ نفر اعلام کرده است. این مقام مسئول، کل زندانیان در سراسر ایران را ۱۴۷۱۰۶ نفر اعلام کرده است. از این تعداد، ۶۵۰ نفر

## ادامه زنان در رژیم ولایت فقیه

بر پایه این تحول است که می توان از بهبود شرایط زندگی زنان و کودکان روستایی سخن گفت. جنبش مترقی زنان کشور ما نیز می باید به این مهم توجه داشته و آن را در برنامه های خود بگنجاند.

آنچه مورد اشاره قرار گرفت، شرایط واقعا فاجعه بار زنان ایران در سایه حاکمیت مشتی تاریک اندیش سرکوب گر است. در برابر این فاجعه، زنان قهرمان و آگاه میهن ما، راهی جز مبارزه ندارند. و جالب اینجاست که، مسئولین رژیم ولایت فقیه در امور زنان، افراد و عناصری مانند زهرا شجاعی مشاور محمد خاتمی اصولا مخالف جدی فعالیت سیاسی و مبارزه زنان برای کسب حقوق خود اند. زهرا شجاعی، در مصاحبه یی اختصاصی با روزنامه کار و کارگر، به تاریخ ۱۵ شهریور ماه ۷۹، در پاسخ به پرسشی در باره نقش زنان کارگر در مبارزات صنفی و سیاسی امروز جامعه ایران، از جمله اظهار داشته است: «مسائل زنان ما بیشتر در واقع مشکلات زنانه است که اصلا سیاسی کردن آنها به صلاح خانم ها نیست.»

بر خلاف این ادعای مشاور رئیس جمهوری در امور زنان، که البته چیزی نیست جز کاریکاتور نظریه و تئوری های رنگ باخته در غرب، مسایل و مشکلات زنان کشور، کاملا جنبه و ماهیت سیاسی دارد و اتفاقا زنان مترقی میهن ما به پیکار سیاسی و خستگی ناپذیری در این زمینه مشغولند.

زنان ایران، ضمن اینکه مسایل خاص خود را دارند، مسایلی که برخی از آنها جنبه میرم و حیاتی و پراهمیتی دارند، در مبارزه برای احقاق حقوق خود، تابعی از مبارزه عام سراسری بر ضد رژیم واپس گرای ولایت فقیه اند. معضلات بی شمار زنان و دختران ایران، پدیده یی خارج از مجموعه روابط حاکم و جدای از روندهای کلی جامعه نیست. تنها با تغییرات بنیادین اقتصادی- اجتماعی و سیاسی می توان، راه را برای تحول در آداب و سنن و فرهنگ واپس مانده کشور و مقام و جایگاه زنان را در جامعه تثبیت کرد. موقعیت جنبش زنان و در راس آن نقش زنان مترقی و زنان طبقات و قشرهای محروم در مبارزه کنونی برای تغییرات بنیادین به سود آزادی و عدالت اجتماعی کتمان ناپذیر است. زنان دلیر و مبارز میهن ما، پیشتازان ثابت قدم مبارزه در راه طرد رژیم ولایت فقیه محسوب می شوند.

## ادامه نگاهی به رویدادهای ایران ...

## دادگاه قتل های زنجیره ای و ضرورت بسیج توده ای

بالاخره بعد از مدت ها روز شنبه، ۳ دی ماه، اولین جلسه دادگاه پرونده قتل های زنجیره ای، به صورت غیر علنی، و بدون حضور حتی خانواده قربانیان و خبرنگاران پشت درهای بسته برگزار گردید. تنها اطلاع موثق از جریان دادگاه، اطلاعیه هایی است که روابط عمومی سازمان قضایی نیروهای مسلح در این باره انتشار می دهد. در همین روز، روزنامه های جمهوری اسلامی و کیهان در سرمقاله های خود، که از نظر محتوایی کاملا شبیه به همدیگراند ضمن ابراز رضایت از روند تشکیل دادگاه، درباره شرکت نکردن خانواده قربانیان در این دادگاه نوشتند: «خانواده مقتولان، صاحب و مالک الرقاب افراد به قتل رسیده، نبوده و نیستند، رابطه آنها با مقتولان، رابطه خانوادگی است و آنان فقط می توانند در همان دایره محدود خانوادگی، مدعی پی گیری قتل ها باشند» (کیهان شنبه ۳ دی). روزنامه جمهوری اسلامی نیز نوشت: «نکته قابل توجهی که در حرکت اخیر اولیای دم مشهود است، هماهنگی آنها با عناصر معاند در آنسوی مرزهاست. جندی قبل یکی از این عناصر که در پاریس فعالیت می کند، به اولیای دم توصیه کرد با اعلام انصراف از حضور در دادگاه، روند بررسی این پرونده را دچار اختلال نمایند.» در همین رابطه بررغم اعتراضات گسترده، ناصر زرافشان، وکیل خانواده قربانیان، که مدتی کوتاه پیش از تشکیل دادگاه، دستگیر گردید، همچنان در بازداشت به سر می برد. محسن رهامی در این باره گفت: «با توجه به پشت درهای بسته بودن دادگاه، عدم حضور اولیای دم و عدم حضور خبرنگاران، نتیجه رای چنین دادگاهی، هر چه باشد، نمی تواند افکار عمومی را قانع کند» (ایسنا، ۵ دی). بادامچیان، عضو رهبری جمعیت موتلفه، اظهار داشت: «این موضوع عجیب و غریبی است که چهار قتل اتفاق افتاد و بعد تعداد مقتولان را به ۷۰ تا ۸۰ نفر تعمیم دادند» (ایسنا، ۵ دی). فریبرز رئیس دانا، عضو کمیته دفاع از قربانیان قتل های زنجیره ای، اظهار داشت که، خانواده های مقتولان تا آنجا که مجاز به مطالعه پرونده بودند، متوجه این امر شده اند که نه تنها آنچه که باید در درون پرونده موجود باشد، نیست، بلکه در آستانه تشکیل دادگاه، یکی از شجاع ترین، فعال ترین و پایدارترین و کلا- ناصر زرافشان- را بازداشت کردند (همبستگی،

شنبه ۳ دی). ناصر قوامی، رئیس کمیسیون قضایی مجلس، در باره این دادگاه گفت: «فکر نمی کنم سرانجام این پرونده به یک جای خوب و مناسبی منتهی شود که قادر باشد افکار عمومی را قانع کند. این نگرانی وجود دارد که این پرونده نیز به سرنوشتی همچون سرنوشت پرونده کوی دانشگاه تهران دچار شود که با توجه به آن همه جنایات که در حوادث رخ داد فقط به یک ریش تراش ختم گردید.» (ایسنا، ۵ دی) با توجه به داده های بالا، تمامی شواهد حکایت از آن دارد که جنایت کاران با استفاده از تمامی اهرم های تحت اختیار خود در صدند تا با سرهم بندی کردن یک دادگاه فرمایشی، که حتی تشکیل آن به صورت غیر علنی هم بی سابقه است، یکی از حساس ترین پرونده های تاکنونی را مثله کرده و آن را مخومه اعلام کنند. میزان مجازات و حبس برای عاملان این جنایات، با توجه به سوابق قبلی قابل پیش بینی است. بعید به نظر می رسد جلسات این دادگاه فرمایشی به درازا بکشد. مرتجعان و جنایت کاران مترصدند تا در کوتاه مدت ترین زمان ممکن، با ختم این دادگاه، هر گونه اعتراضی را که از این پس صورت می گیرد با چماق «قانون» سرکوب کرده و به هیچ کس اجازه ندهند حتی در باره این جنایات، که به دستور بالاترین مقامات حکومتی صادر گردیده است، صحبتی بکنند. اینکه این ترفند بتواند صورت عملی به خود بگیرد یا نه فقط بسیج گسترده مردمی می تواند بدان پاسخ دهد!

## ادامه سال ۲۰۰۱ - در تدارک مبارزه برای ...

کاروان خلقی، که به ابتکار مشترک سازمانهای دهقانی از کشورهای هندوستان، بنگلادش، فیلیپین و گروه های همبستگی با قربانیان انحصارات، از ژاپن و آمریکا سازماندهی شده بود، در عمل مبارزه یی را که در سیاتل آغاز شده است را به قلب جوامع دهقانی و ستمدیده آسیا برد. موفقیت کاروان خلقی نمایش این حقیقت است که میلیونها زحمتکش آسیایی با تجربه خود نتیجه فعالیتها و سیاست های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی را لمس کرده و بر ضد آنها به مبارزه برخاسته اند. حفظ وسعت صفوف این مبارزه شکوهمند برضد عمده ترین مظاهر سرمایه داری و تدقیق در شناخت نتایج نظم نوین امپریالیستی وظیفه یی مهم بر دوش نیروهای ترقی خواه و احزاب کارگری است.

در مقابل تهاجم امپریالیسم برای تحمیل «نظم نوین» و «جهانی شدن» سرمایه داری، وظیفه عظیم تدارک مقاومت خلق ها، از طریق بسیج وسیع ترین جنبه های مبارزه خلقی، به عهده نیروهای ضد امپریالیستی قرار گرفته است.

## منتشر شد

به استقبال ۶۰-مین سالگرد تأسیس حزب توده ایران در صفحات حزب بر روی شبکه جهانی اینترنت منتشر شد:

## حزب توده ایران و مارکسیسم - لنینیسم

همچنین شماره ۲ مجله «دنیا» روی صفحات حزب در اینترنت قرار گرفت

## ادامه سال ۲۰۰۱ ...

ضد جنایات نیروهای صهیونیستی و حامیان امپریالیست شان قیامی قهرمانانه را ادامه می دهند. نیروهای فلسطینی، با درک اینکه دولت اهود باراک از زمان به دست گرفتن اهرم های قدرت به عوض اجرای موافقت نامه های امضا شده، در صدد خالی کردن آنها از هر گونه محتوایی است و در جهت حفظ شرکت احزاب دست راستی در ائتلاف حاکم کوشیده است، مبارزه بر حق خود برای ایجاد دولت مستقل فلسطینی را تشدید کردند. بن بست روند صلح از طریق مذاکره به دلیل موضع گیری انعطاف ناپذیر دولت اسرائیل، در ادامه به شکست مذاکرات سه هفته ای کمپ دیوید منجر گردید. این حقیقت که دولت آمریکا، متحد استراتژیک اسرائیل، در عمل نقش اصلی در روند صلح کنونی ایفا می کند، جایی برای خوش بینی به آینده مذاکرات باقی نمی گذارد. انتفاضه را باید پاسخ مردم فلسطین به طرح مشترک اسرائیل - آمریکا به منظور تهی کردن موافقتنامه های سالیان اخیر از هر گونه محتوایی دانست. حقیقت این است که اسرائیل و آمریکافقط از آنچه راه حلی حمایت می کنند که در ضمن فراهم کردن شرایط شرکت اسرائیل در روند «جهانی شدن» در منطقه خاورمیانه، نقش برتر آن را در رابطه با کشورهای عرب و فلسطین تضمین کند. چنین راه حلی نمی تواند پذیرای یک فلسطین پر قدرت، مستقل و فعال باشد. در حقیقت طرح مشترک اسرائیل و آمریکا برای فلسطین و کشورهای عربی نقشی همانند مکزیک در «نفتا» را قایل اند. ولی کلینتون و باراک از درک این نکته عاجزند که مردم فلسطین قبول نخواهند کرد که پس از نیم قرن مبارزه و قربانی دادن، صاحب کشوری باشند که جز اسم هیچ موجودیت مستقلی نداشته باشد.

مبارزه خلق فلسطین در طولانی مدت، دولت اسرائیل را مجبور خواهد کرد تا به خواسته های آنان و در درجه اول ایجاد یک کشور مستقل گردن بندد. قبول تخلیه و عقب نشینی نیروهای وابسته به اسرائیل از جنوب لبنان در سال گذشته نمونه مناسبی از این اجبار است. نیروهای ارتش اسرائیل و متحدان آن، پس از ۲۰ سال، در نتیجه مبارزه قهرمانانه و بی وقفه جبهه متحد نیروهای فلسطینی، از جنوب لبنان خارج گردیدند. آنچه چنین فرجامی را حتمی می کند، به موازات ادامه مبارزه مردم فلسطین، همبستگی خلقهای کشورهای عربی است که در اکثر شهرهای عمده در خیابانهای برضد جنایات ارتش اسرائیل به تظاهرات برخاسته اند. در چنین جوی امکان مانور سازشکاران بسیار محدود خواهد بود.

## مرحله بی جدید

در دیگر کشورهای جهان، و از جمله در آمریکای لاتین نیز مبارزات خلقی برضد سرکوب، استثمار و نقض دموکراسی اوج گرفته است. در کلمبیا، حمایت رشد یابنده خلق از نیروهای جنبش انقلابی FARC، آن چنان امپریالیسم را نگران کرده است که، رهبران سیاستگذاری ایالات متحده با اعلام «طرح کلمبیا» و اختصاص بیش از یک میلیارد دلار برای عملیات برضد نیروهای خلقی عملا طرح ویتنامی کردن درگیری های این کشور را در پیش گرفته اند. هم اکنون هزاران مستشار نظامی آمریکایی مستقیماً در کنار نیروهای راست گرا در جنگ داخلی این کشور شرکت دارند.

آنچه مسأله مبارزات مردم کشورهای جهان سوم، در جهت آینده بی بهتر به مبارزه ضد امپریالیستی پیوند زده است، این است که، فقر و فساد در این کشورها به طور فزاینده ای، همان گونه که واقعا هست، محصول سرمایه داری شناخته می شود. قشرهای وسعت یابنده جوانان، سالمندان، دهقانان، کارگران، زنان، فعالان محیط زیست، با درک این نکته که سرمایه داری و ارکان های عامل آن بانی مشکلات و معضلات اجتماعی اند، نشست های سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول و ارگان های بین المللی تصمیم گیرنده مرتبط با اقتصاد جهانی را آماج مبارزات خود قرار داده اند. آنها خواهان پایان دادن به قرار دادهای استثمارگرانه بین انحصارات فراملی و کشورهای ضعیف و لغو بدهی کشورهای فقیر و بدهکارند.

## سالی که با سیاتل آغاز شد با مبارزات وسیع خلقها در براک و نیویورک و فیلیپین ادامه یافت

پایان مبارزه «کاروان خلقی ۲۰۰۰، برای زمین و غذای غیر مسموم» در فیلیپین، پس از فعالیتهای موفقیت آمیز در هند و بنگلادش در آبان ماه، در جریان یک گرد همایی عظیم با شرکت ده ها هزار دهقان - اختتامیه مناسبی برای سال پایانی هزاره دوم بود. شرکت کنندگان در کاروان با خواست اصلاحات ارضی واقعی به منظور حصول امنیت غذایی، عدالت اجتماعی و زمین و غذای غیر مسموم انحصار فراملی مونساتورا را هدف مستقیم حملات خود قرار دادند. نقطه عطف گردهمایی، تظاهرات اعتراضی در مقابل سفارت آمریکا با شعار «یک سال پس از سیاتل» و محکوم کردن سلطه انحصارهای آمریکایی بر کشاورزی آسیا بود.

را «پدیده بی خطرناک و جدایی ساز در درون ناتو» خواندند. رهبران محافظه کار سنای آمریکا ایجاد این نیروی نظامی را اقدامی از سوی بازیگران اصلی اتحادیه اروپا به منظور «کنترل قدرت و نفوذ آمریکا در ناتو» دانسته اند و یادآوری کرده اند که گرچه تلاش های قبلی برای ایجاد شکاف در ناتو در دهه ۸۰ میلادی را مارگرت تاچر و رونالد ریگان عقیم کردند، ولی اکنون ولادیمیر پوتین که از «طرفداران ثابت قدم» فاصله گیری اروپا از آمریکا است صراحتاً از سیاست انحلال ناتو حمایت می کند. سناتورهای بانفوذ آمریکایی مطرح می کنند که «سیاست امنیت و دفاع اروپایی، آنچه را که اتحاد شوروی از دستیابی به آن عاجز ماند، یعنی جدا کردن اروپا از ایالات متحده عملی خواهد کرد.»

## روسیه در تلاش ایفای نقش مستقل

روسیه در سال گذشته، بستر تحولات عمده ای بود که در شکل دهی آینده سیاسی این کشور بزرگ اهمیت فراوانی خواهند داشت. در انتخابات زود رس ریاست جمهوری، در فروردین ماه، ولادیمیر پوتین، جانشین منتخب یلتسین، با بسیج تمامی نیروهای طیف راست، در شرایط ادامه جنگ چین، بهره برداری کامل از ماشین عظیم دولت و رسانه های گروهی تحت کنترل دولت و مافیای قدرت، تقلب های وسیع که به گفته «مسکو تایمز» متضمن ۲/۳۰۰۰۰۰ رای ساختگی به نفع پوتین بود بر کاندیدای حزب کمونیست و نیروهای مردمی، رفیق گنادی زیوگانوف، پیروز شد.

درک دقیق مواضع ولادیمیر پوتین و روسیه زیر رهبری او از اهمیت فراوانی برخوردار است. او برغم درگیری و برخی تفاوت نظریات جدی با برخی از چهره های منتقد مافیایی - سرمایه داری نوپای روسیه، و همچنین سلیقه بی متفاوت با یلتسین از نظر شیوه سازماندهی ماشین دولتی و نحوه تنظیم رابطه با کشورهای غربی، در کل، مورد حمایت سرمایه داری روسیه و طرفداران «اصلاحات بازار» در این کشور است. مواضع حمایت کننده تونی بلر، نخست وزیر انگلستان، و ژاک شیراک، رئیس جمهوری فرانسه از او در کنار دعوت از پوتین برای شرکت در اجلاس کشورهای گروه ۷ در اوکیناوا، عملاً معرف ماهیت اساسی جهت حرکت پوتین است. گرچه نباید و نمی توان به تنش هایی که به دلیل موضع گیری پوتین نسبت به استقرار یک رژیم مقتدر، سازماندهی شده و مدعی منافع ویژه منطقه ای و حتی جهانی، بین روسیه و کشورهای امپریالیستی به وجود آمده و خواهد آمد، بی توجه بود.

آنچه شایان توجه است این است که، محافل سرمایه داری روسیه، در اساس برای خود سهم ویژه ای در کنترل بازارها و منابع اولیه اروپای شرقی و آسیای مرکزی قایل اند. سیاست خارجی فعال روسیه به منظور گسترش روابط با چین و هند و کره را باید در این سمت ارزیابی کرد. این موارد مطمئناً تبعات جدی بی در آسیای مرکزی و کشورهای جهان سوم خواهد داشت، ولی نباید تحلیل طبقاتی و محتوایی دولت حاکم در مسکو را از نظر دور داشت.

در همین باره، توسعه روابط چین و روسیه را می باید متوجه ایجاد وزنه متعادل کننده ای در مقابل سیاست آمریکا در آسیا تلقی کرد. چین از سویی دیگر سیاست خارجی فعالیتر در جهت فاصله اندازی میان کره جنوبی و ژاپن از یک سو و ایالات متحده از سوی دیگر دنبال می کند. بهبود روابط میان کره جنوبی و کره شمالی، در پی اقدامات پوتین و حمایت چین از این روند نمی تواند در تحولات آتی آسیا بی تاثیر باشد. تحلیل گران مطلع، روند نزدیکی دو کره را، در شرایط کنونی منطقه و جهان، و اوضاع سیاسی دو کشور را به ضرر امپریالیسم ارزیابی کرده و معتقدند که ادامه تماس ها و از بین رفتن بهانه حضور نظامی ارتش آمریکا در کره جنوبی - در بردارنده اثرات مهمی بر موازنه قدرت در آسیا خواهد بود. در همین مورد اظهار نظر لی پنگ، رهبر پارلمان چین به یک هیئت سیاسی بازدید کننده ژاپنی را در لزوم استقلال عمل ژاپن و اینکه «ژاپن باید صدای خودش را در مسایل بین المللی داشته باشد» قابل توجه و تأمل است.

## مقاومت زحمتکشان

توجه به این حقیقت که تحولات فوق الذکر، بر بستر مبارزه گسترده در جهت بسط صلح، عدالت و رفاه از سوی زحمتکشان و ترقی خواهان صورت می گیرند، حائز اهمیت فراوان است. زحمتکشان در پنج گوشه گیتی مبارزه بی تحسین آمیز و مبتکرانه را ادامه می دهند. مردم فلسطین در طلب عدالت و بر

## سال ۲۰۰۱

## در تدارک مبارزه برای جایگزینی مترقی

منافع استراتژیک امپریالیسم مورد بهره برداری قرار گرفت. در کنار نمونه فاجعه بار یوگسلاوی در سال گذشته، امپریالیسم انگلیس کوشش همه جانبه بی در جهت ساقط کردن دولت رابرت موگابه، در زیمبابوه، سازمان داد. دولت انگلیس که پس از گذشت بیست سال از پیروزی مبارزات مردم زیمبابوه بر ضد دولت نژاد پرست و طرفدار امپریالیسم یان اسمیت در رودزیا، هنوز پایان نفوذ خود را در این کشور نپذیرفته است، سعی در سازمان دهی یک تغییر اساسی در قدرت سیاسی این کشور دارد. کوشش امپریالیسم در زیمبابوه پیش زمینه برخی اشتباهات پایه بی دولت موگابه درباره عدم برخورد جدی با اصلاحات ارضی و دموکراتیزه کردن حیات اجتماعی، وضعیت حادی را در این کشور به وجود آورده است. در انتخابات این کشور، حزب حاکم زانو-پی اف، با درصد ناچیزی توانست قدرت دولتی را حفظ کند. تحریکات امپریالیستی در جهت ایجاد جای پای برای بازگرداندن زیمبابوه به زیر نفوذ استعمار گرانه ادامه خواهد یافت. تنها راه عقیم ساختن این کوششهای مسموم، تصحیح اشتباهات و بسیج مردم و زحمتکشان در راه جاری کردن خواسته های عمده انقلاب آزادی بخش ملی است که در سال ۱۹۸۰ به پیروزی رسید.

## رقابت های امپریالیستی

سال گذشته، اروپا شاهد شکل گیری نهایی ساختارهای اتحادیه اروپا، به مثابه یک محور قدرتمند سیاسی، اقتصادی- نظامی بود فشار محافل قدرتمند مالی اروپا برای اتخاذ واحد پولی مشترک در قالب «یورو»، تصمیم به ایجاد، و برداشتن قدم های اجرایی عمده در جهت سازمان دهی ارتش و انکس سریع اروپایی که مستقل از سیستم فرماندهی ناتو عمل خواهد کرد، و گستردن صفوف کلوپ سرمایه داری اروپا با در برگیری ۱۳ کشور جدید، همزمان با ایجاد یک محور امپریالیستی قدرتمند اروپایی، تنش هایی را میان آمریکا و اروپا دامن زده است. سرمایه داری اروپا در «نظم نوین» خواهان سهم بزرگتری از بازارها و منابع اولیه جهان است و این خواسته طبیعتاً در بردارنده نطفه های یک تنش بالاگیرنده بین امپریالیستی است.

تضاد منافع امپریالیستی برای کنترل بازارها و سهم عمده از چپاول و غارت منابع جهان، امر تازه ای نیست. در سالهای اخیر درگیری های آمریکا و اروپا بر سر صادرات موز، فولاد، تعرفه های گمرکی و صدور اتومبیل و وسایل الکترونیکی بوده اند، اما اختلاف نظر در مورد ایجاد ارتش و انکس سریع اروپایی ابعاد ویژه ای را پیدا کرده است. به دنبال اظهارات کاسپار و اینبرگر مبنی بر خطری که از جانب ارتش جدید اروپایی متوجه پیمان ناتو خواهد شد، سناتور جس هلمز، مسئول کمیته روابط خارجی مجلس سنای آمریکا و گوردون اسمیت، رئیس کمیته امور اروپایی مجلس سنا، در نامه مشترکی ارتش اروپایی

## ادامه در صفحه ۱۱

## کمک های مالی رسیده

به مناسبت پنجاه و نهمین سالگرد حزب از نیویورک ۲۳۰ دلار  
به مناسبت پنجاه و نهمین سالگرد حزب - صادقی از سوئد ۳۵۰۰ کرون  
به یاد سرهنگ ابوالقاسم افرائی ۴۰ پوند

در لحظات پایانی سال ۲۰۰۰ و در شروع هزاره سوم و قرن جدید مردم نظاره گر جنبه های نوین و امید بخشی از مبارزه سرنوشت ساز بین نور و تاریکی، دانش و جهل، عدالت و ظلم و نو و کهنه اند.

گر چه در سال گذشته، جنبه قدرتمند امپریالیسم و ارتجاع با تمام انرژی و امکانات به منظور تثبیت سلطه خود بر جهان کوشید، و در این امر موفقیت هایی نیز داشت، رشد سریع یک جنبش وسیع و گسترش یابنده مردمی در مخالفت با سرمایه داری جهانی و مکانیزم های عمده آن، که از سیاتل آغاز شده بود، در داووس، واشنگتن، بانکوک و اوکیناوا ادامه یافت. آنچه اهمیت این جنبش مردمی ضد سرمایه داری را دو چندان می کند، طیف وسیع نیروهایی است که در آن شرکت داشته اند و هم چنین گستردگی آن در سراسر پنج قاره جهان است. مردم جهان با درک این که سرمایه داری عامل اصلی فقر، جنگ و تخریب محیط زیست است، خشم خود را متوجه برجسته ترین مظاهر سرمایه داری جهانی یعنی صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی کرده اند. گوشه هایی از تحولات جهان، در سالی که گذشت، و نشانه های جدی اوج گیری مبارزات زحمتکشان را از نظر می گذرانیم:

سال گذشته شاهد باز هم نمونه های جدیدی از بی قانونی و عدم ثبات ناشی از «نظم نوین جهانی» و کوشش های ایالات متحده و متحدانش برای تحمیل هژمونی همه جانبه خود بر جهان بودیم. امپریالیسم از مراسم پنجاهمین سالگرد ناتو، در حکم خطابگانی برای باز تعریف نقش و عرصه های عمل این پیمان تجاوز گر در سراسر گیتی و درجه دوم شناختن نقش سازمان ملل متحد استفاده کرد. دکنترین جدید ناتو، که حق مداخله در امور داخلی همه کشورهای جهان، همراه با حق استفاده از نیروی نظامی را برای امپریالیسم آمریکا قایل است، صلح جهانی و حق حاکمیت تمامی کشورهای جهان را تهدید می کند.

امپریالیسم، در تلاش برای تحمیل اراده خود بر مردم جهان سوم، از طریق برنامه های «تعدیل ساختاری» نسخه پیچی از سوی صندوق بین المللی پول و نیز نظام غیر عادلانه تجاری که از سوی «سازمان تجارت جهانی» WTO اعمال می شود، به زیر پا گذاشتن حاکمیت ملی به وسیله قانونیت بخشیدن به مکانیزم جهانی شدن سرمایه داری و سرنگون ساختن دولت های مقاوم از راه خرابکاری، مداخله و تهدید محض در تلاش است تا سلطه اقتصادی استعمار گرانه خود را در سراسر گیتی گسترش دهد.

محتوی واقعی «نظم نوین جهانی» همان گونه که تحولات یوگسلاوی آن را به نمایش گذارد هیچ معنایی جز نقض خشن منشور سازمان ملل، دستبرد به قوانین بین المللی و حاشیه ای کردن نقش سازمان ملل متحد ندارد. کشورهای سرمایه داری عمده که تحمل هیچ گونه موضع گیری مستقل و مخالف را ندارند. در ادامه کارزار غیر قانونی خود بر ضد جمهوری یوگسلاوی، عملاً با شرکت مستقیم در بسیج و هماهنگ نمودن تمامی امکانات نیروهای وابسته به غرب از طریق سازمان دهی حملات رسانه های گروهی، فراهم و سرازیر کردن ده ها میلیون دلار به کارزار نیروهای ضد دولتی، در مهر ماه، کودتایی را بر ضد اسلودان میلوویچ سازمان دهی کردند. نتیجه انتخابات ریاست جمهوری یوگسلاوی نه در شهر های این کشور، بلکه از مدتها قبل در لندن، واشنگتن، برلین و پاریس تعیین و اعلام شده بود.

کوشش کشورهای امپریالیستی برای تعریف جدیدی از قوانین بین المللی، که مداخلات آنها را در پوشش دفاع از دموکراسی، حقوق بشر و حقوق اقلیت های ملی، جنبه قانونی بدهد، در سال گذشته نیز ادامه یافت. در حقیقت، مفاهیم مهم و مقدسی چون دموکراسی و حقوق بشر و حق اقلیت های ملی به شیوه بی مزورانه در جهت ارتقا

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3- <http://www.tudehpartyiran.org>

NAMEH MARDOM-NO:599  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

2 January 2001

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام  
IRAN e.V.  
شماره حساب  
790020580  
کد بانک  
10050000  
بانک  
Berliner Sparkasse